

جای حرفی و انگاری برای آن مقامات ما باقی نخواهد بود زیرا خودمان تصدیق این عقیده را کرده ایم و استقلال خودمان را از دست داده ایم پس بنده با یک عقیده ثابت چون میدانم تمام موکلین خود و تمام ایرانیها با من هم عقیده هستند این پیشنهاد را بمجلس شورای ملی تقدیم میکنم و از هیئت دولت تقاضا میکنم با کمال صمیمیت از این تقاضای دولت روس مندرت بخواهند و داخل ترتیبات دیگری بشوند.

**رئیس** - آقایانیکه اجازه خواست بودند همین آقایانی بودند که نطق کردند و ظاهرًا مذاکرات کافی باشد (تصدیق کردند)

حالا پیشنهاد هائی که شده است قرائت میشود (پیشنهاد حاج هزالمالك ببارت ذیل قرائت شد) :

مجلس شورای ملی پس از اصفاء و اظهارات هیئت وزراء نظر باینکه تکالیف دولت روس را منافی استقلال مملکت میدانند از قبول آن منصرف بوده هیئت دولت تکلیف میکند که برای تغییر تکالیف مذکور داخل مذاکره شود و مذاکرات مطرب مطرح شده را ختم می نماید. از طرف آقای متین السلطنه ببارت ذیل قرائت شد :

مجلس شورای ملی پس از اصفاء اظهارات هیئت وزراء نظر باینکه قبول تمام تکالیف دولت روس را منافی استقلال مملکت میدانند از قبول آن منصرف بوده هیئت دولت تکلیف میکند که برای تغییر تکالیف مذکور داخل مذاکره شود و مذاکرات مطرب مطرح شده را ختم مینماید .

**رئیس** - چنانچه آقایان ملتفت بودند پیشنهاد اولی راجع برد تمام تقاضاهائیکه که بنده پیشنهاد ثانوی که آقای متین السلطنه کرده اند راجع بتجزیه است که بعضی از آن تقاضاها قبول شود آقایان وزراء در اینباب اظهاری دارند .

**وزیر امور خارجه** - خیر .

**رئیس** - چون باید در این پیشنهاد برای بگیریم باید اول در پیشنهاد راجع بتجزیه برای بگیریم باینجه این پیشنهاد دوم تر قرائت میشود (پیشنهاد متین السلطنه دوم تر قرائت شد) .

**رئیس** - آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند ( بعضی قیام نمودند ) .

**رئیس** - قابل توجه نشد یعنی رد شد - رای میگیریم پیشنهاد آقای حاج هزالمالك که راجع است برد تمام سه فقره - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند و تصویب میکنند قیام نمایند . جز چند نفر تمام نمایندگان قیام نمودند .

**رئیس** - تقریباً با اتفاق این پیشنهاد قبول شد یعنی تمام آن سه فقره تقاضا رد شد چون نزد یک ظاهر است مطلبی نیست بمجلس را ختم میکنیم (رئیس هر کت کردند و مجلس ختم شد) .

**جلسه ۳۴۰**

**صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۲**

**ذی حجه ۱۲۲۹**

مجلس نیم ساعت قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك افتتاح شد .

صورت مجلس روز جمعه هم را آقای میرزا رضا خان تائینی قرائت نمودند .

اسامی غائبین جلسه قبل - بدون اجازه آقایان

حاج آقا - لواء الدوله - حاج امام جمعه - فرزانه مریش - آقا سید محمد باقر ادیب آقا محمد بروجردی رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ( اظهاری نشد ) صورت مجلس تصویب شد ( در این موقع آقای رئیس قیام فرموده و عوم حضار نیز بر حسب دعوت ایشان قیام نمودند .

رئیس در این موقع که بنده قیام کرده و آقایان را هم دعوت بقیام نمودم نه برای این است خبر وحشت اثر فوت مرحوم آیت الله خراسانی را به آقایان عرض کنم بایشان بگویم که بعالم اسلامی یک مصیبت بزرگی وارد آمده است غیر غرض بنده دادن این خبر دل خراش نیست زیرا که آن شخص بزرگ از آن اشخاصی نبود که رحلت وفوت او مثل صدای رعدی اثر نکند و پژمرده گی و افسرده گی که در حال آقایان مشاهده میکنم بهترین گواهی است که در حقیقت امر مسیوق هستند از اثرات وخیمه این فاجعه عظمی خدمت آقایان چه عرض بکنم که از بنده بهتر میدانند وجه بگویم که بر معلومات ایشان افزوده شود اگر عرض کنم که رکن اعظم مملکت ما بفقدان آن شخص بزرگ کم شده است کم گفته ام و اگر عرض بکنم بواسطه رحلت این شخص بزرگ صدمه و مصیبت عظمی به مملکت و مشروطیت و ملیون وارد آمده است نتوانسته ام بطور کامل احساسات خود را بیان کنم آقایان هم نباید منتظر باشند که بنده شرح و بیان صفات آن شخص بزرگ را توضیح بکنم بنده این جرأت را ندارم برای اینکه صفات این شخص بزرگ طوری است که لسان بنده از بیان آن عاجز است و قدرت این جسارت را هم ندارم زیرا که مترسم اگر بخواهم صفات یک چنین شخص بزرگی را بیان کنم بواسطه عجزی که دارم مترسم از صفات آن مرحوم کاسته شود فقط یک چیزی را میخواهم بگویم سکه از گفتن آن نمیتوانم صرف نظر کنم و آن این است که این شخص بزرگ بایک ثبات قدم و هزم راضی که معیر العقول بوده در پیشرفت و اهالی کلمه حقه پیش قدم بوده و هر گونه صدمات و لطمات را برای پیشرفت و ابقاء این کلمه حقه متحمل شد تمام هم و غشش برای استقلال مملکت و پیشرفت مقاصد اسلامیت و مشروطیت بود در همین راه زندگانی کرد و در همین راه هم مرد از ما در این موقع چه بر میآید بغیر از اینکه سوگواری و تعزیه داری کنیم لهذا بنده بنام ملت بمجلس شورای ملی تکلیف می کنم که این جلسه را با علامت تعزیه داری ختم کرده

و از روز شنبه تا روز سه شنبه در مسجد جنب مجلس مشغول تعزیه داری و سوگواری باشیم در این موقع آقای رئیس و سایر نمایندگان با حالت سکوت از مجلس خارج شده و جلسه یک ربع قبل از غروب ختم شد .

**جلسه ۳۴۱**

**صورت مشروح روز دوشنبه ۲۶ شهر**

**ذی حجه العرام ۱۳۲۹**

رئیس آقای مؤتمن الملك بکسامت و نیم قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس نمودند پس از یک ربع مجلس تشکیل گردید صورت مجلس روز پنجشنبه ( ۲۲ ) را آقای آقا میرزا رضا خان قرائت نمودند .

( غائبین جلسه قبل ) آقایان : وحید الملك

دکتر امیر خان - آقا سید محمد رضا - حاج آقا - میرزا علی اکبر خان - نیر السلطان - لواء الدوله - آقا میرزا ابراهیم قمی - حاج امام جمعه - آقا سید حسن مدرس - دکتر حاج میرزا رضا خان - علی زاده - دکتر سعید الاطیاب - فرزانه - کاشف - میرزا یانس - حسنعلی خان - بدون اجازه - آقایان : حاج میرزا رضا خان - حاج سید نصرالله - با اجازه غائب آقایان میرزا داود خان - دکتر علیخان - آقا سید محمد باقر ادیب مریش بودند

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی نیست ( اظهاری نشد )

**رئیس** - صورت مجلس تصویب شد آقای رئیس الوزراء مرقومه بینده نوشته بودند و خیلی مایل بودند که در این جلسه خودشان هم تشریف داشته باشند ولی این که تشریف نیاوردند بجهت این بود که مبتلا بنوبه شده بودند و آقای قوام السلطنه را بسمت وزارت داخله معرفی کرده اند - فرض از تشکیل این جلسه این بود که آقایان وزراء صالحی داشتند که لازم بود بمجلس شورای ملی اظهار شود مطالب هیئت وزراء آقای وزیر امور خارجه عرض خواهند کرد .

**وزیر امور خارجه**

فرض از اظهاراتی که امروز خواهد شد اینست که در وضع امروزی این مملکت یکسند کراتی بشود با حضور نمایندگان محترم در مجلس هلنی که مشهودی از ملت هم باشند و بالاخره یک تصمیمی در این مسئله مبتلا قلمی گرفته شود مقدمه عقیده بنده اینست که بعضی معایب را امروز بطور وضوح باید بگوئیم و ملاحظه هم نباید بکنیم در این مطلب که بگوئیم نباید معایب خودمان را خودمان بگوئیم چون شاید یک پلنتیکی این باشد که اجازه ندهد که خودمان معایب خودمان را بگوئیم ولی از آنجائی هم که بهترین پلنتیک ها پلنتیک راسنی و صداقت است بهتر این است که معایب خودمان را بگوئیم تا دیگران بدانند که ما ملت معایب خودمان هستیم و شاید باین واسطه هم امیدوار شوند که در صد رقع معایب خودمان هم هستیم و برای این مطلب بنده بعضی از حالات و اوضاع حاضر را باختصار شرح میدهم اولاً آقایان باید بدانند که امروز وضع مملکت بهتر از آن روزیکه کابینه حاضر یعنی آن روزیکه آقای صمصام السلطنه زمام امور را در دست گرفته بودند نیست بلکه اگر دقت کنیم وضع امروز خیلی بدتر از آن روز است برای این که اولاً محمد علی میرزا که آنروز وارد شد در گمش تیه آقایان میدانند که چقدر ما را در اضطراب انداخت تمام قوای خودمان را جمع کردیم و واقفاً یک اتفاق و اقدامی کردیم که تا یک اندازه رفع شد و جلوگیری از اوشد فعلاً در چند ایران است و شاید در یک موضعی است که نزدیک تر از گمش تیه است و شماع السلطنه هم آمده است باستر آباد و استر آباد در تحت تصرف است تر کمانها که مواخواه محمد علی میرزا و شماع السلطنه بودند از دامغان گذشته اند و بسمت سمنان حرکت کرده اند سالار الدوله هم که دولت با آن زحمت و مرارت او را قلع و قمع کرد فعلاً هودت کرده است و در کرمانشاه است و کوس با فیکری میزند و صد خان را هم میدانند که مدتی است در تبریز است و

اعمال او را میدانید که شدت پیدا کرده است ورشید الملك را از طرف خود به اردبیل مفرستد ورش را تهدید میکند و خیلی خیلی اقدامات دیگر از این قبیل که بنده کلیاتش را عرض کردم و جزئیاتش را لازم نیست بگویم چون مفصل میشود و داعی هم ندارم شاید آقایان هم مسبوق باشند ولی يك فایده که آن روز بود یعنی بحسی که آن روز داشت و امر ز نداریم اینست که آنروز يك پولی داشتیم برای دفاع کردن آنهمه مشکلات حوادث و بدبختانه امروز از آن پول فراهم نداریم و متاسفانه دستمان تهی است معایب دیگر هم در کار خیلی است معلوم است مملکتی که بحران کابینه هفته های متوالی امتداد پیدا میکند شاید دوماه طول بکشد که اختلاف احزاب نگذارد که يك کابینه تشکیل شود که کارها صورت صحیحی پیدا بکند و البته در مدت این بحران کارهای ادارات هم مختل و ابالات بی حاکم و ولایات بی مأمور میماند و همان خطراتی که اسباب انقلاب و اغتشاش است میشود مثل اینکه شده است و بر همه این بدبختیها علاوه شده است يك مسئله که امروز دوچار آن شده ایم و آن التیمات است که از طرف روسها شده است که لاینجل مانده است و از آنروزی که این التیمات بجهت دولت رسیده است با کمال جدیت سعی بودند که با تفاق و کلا يك نوعی آنرا رفع کنند و تا امروز موفق نشده ایم بدبختانه در يك همچو موقعی وقتی که درست ملاحظه بفرمایند و این معایب و امراض را درست تشریح بکنیم می بینیم برای چاره اینها علاج منحصر است بتشکیل و تعیین يك حکومت ثابت مقتدر که همانطوریکه مسئولیت بعهد او است يك اقتداری هم داشته باشند در صورتیکه اصلاح حکومتی نداریم تا چه برسد بحکومت مقتدر گمان میکنم که قریب یکماه بلکه دوماه است که هیئت وزرای شما در بحران بوده است و اگر هم موقتاً بحران رد شده است و يك اشخاصی آمده اند معرفی شده اند و صورتاً بحران مرتفع شده است بواسطه رفع نشدن یاره اختلافات و یاره اشکالات و بواسطه چیزهای دیگر هیئت وزراء يك اسم بلا رسمی بوده است و در حقیقت وجود خارجی نداشته است و این خیلی خیلی بدبختی است که در يك همچو موقعی که چاره منحصر کارها داشتن يك حکومت مسئول و مقتدری است هیچ حکومت نداریم و چون در اینجا رسیدیم بوزم تعیین يك حکومت مقتدر لازم است بقتداری مسبوق و مفصل عرض بکنم اگرچه در جلسات خصوصی و بعضی کمیسیونها با حضور آقایان نمایندگان محترم عقاید خود را در این باب عرض کرده ام ولی خواستم اینجا هم بمناسبت يك شرحی از تاریخ اشتغال خودم در وزارت خارجه شرح بدهم و به عرض آقایان نمایندگان محترم برسانم روزی که کابینه آقای مصمصام السلطنه تشکیل شد و به بنده تکلیف فرمودند که منصبی کار های وزارت امور خارجه باشم بنده بملاحظه این که تمام این محظوراتی که پیش آمده و همین طور تا حالا هست و تدریجاً شدت کرده تا اینکه باینحال امروزه رسیده است در نظرم بود ار قبول این خدمت امتناع کرده و لیکن آقایان وزراء و آقایان نمایندگان محترم و والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه يك دلایلی که اگر آن دلایل اینکافم

ماحصلش این خواهد شد که چون دیگر کسی نیست که قبول این خدمت را بکنند شما باید قبول این خدمت را بکنید و برای اینکه بحران وزراء در يك موقع خیلی خیلی سختی بود لازم بود که هیئت وزرانی باشد و زیاد بحران ضول نکشد بآن واسطه بنده این خدمت را قبول کردم و لیکن بعد از قبول در عرض هر چند روزی که بگذراند بنده با استغماهایی کرده ام که خاطر نمایندگان محترم مسبوق است در صورتی که نه آن امتناع اولی از قبول این شغل و نه آن استغماهای بی دریغی هیچکدام بدون يك داعی و يك دلایلی نبوده است و يك داعی و دلایلی داشت که عقلا آنرا می پسندیدند و آن دلایل هم خیلی مفصل نبوده و فروغ زیادی نداشت خیلی واضح بود بنده میگفتم از اینکه بنده وزیر امور خارجه شدم و یا دیگری وزیر داخله و دیگری رئیس الوزراء علاج کار مملکت را نمیکند و کار مملکت اصلاح نمیشود باید به پیشیم عیب کار گنجا است و علاج کار مملکت را پیدا بکنیم اگر درد و علاج مملکت را پیدا کردیم هم برای بنده وزیر امور خارجه شدن سهل است هم برای دیگری وزیر داخله شدن وقتی که از بنده میبر سیدند که علاج مملکت چیست و چه باید کرد بنده میگفتم که تشکیل يك حکومت ثابت مقتدر مسئولی علاج کار و اوضاع این مملکت را میکند و بایستی يك حکومت مقتدر مسئولی داشت اینرا مکرر بنده گفتم شاید بعضی آقایان هم تصدیق بفرمایند حالا لازم نیست که بنده شرح آن حکومت ثابت مقتدره را عرض کنم که همین يك چنین حکومت مقتدر و مسئولی در يك مملکتی مثل مملکت ما چقدر ضرور و لازم است اولاً در تمام ممالک دنیا حتی در ممالک جمهوری های بزرگ عالم در آنجائی که اکثریت اهالی مردمانی اخلاقی و متمدن همه هستند بعضی بیش از ما مراتب نمدن و اخلاق را دارا هستند هیچ جا منکر اقتدار حکومت نیستند بجهت این که همیشه مسئولیت را با اقتدار و اختیار توأم و این دو را مستلزم يك دیگر میدانند هیچ عقلی تصور نمیکند يك شخصی مسئول باشد و اختیارات نداشته باشد هیچ منطقی نمیکند که يك شخصی مسئول کاری باشد ولی اختیاری در آن باب نداشته باشد هیچکس نمیتواند این اجمال را باور کند که به بنده بگویند اینجا تا يك فروغ بدوم و لیکن دستها و پاها ی بنده را بسته باشند و در این مملکت که ملاحظه مداران و ممالک اشخاص را میفرمایند و با سایر ممالک بسجید خواهد دانست که تعیین چنین حکومتی چقدر لازم است برای اینکه در يك مملکتی که حالت معارفش باینحال امروزه ما است در يك مملکتی که ملاحظه میفرمایند رؤساء و صاحبان نفوذش بدبختانه حنك داخلی دارند و اختلافات سیاسی پیدا شده است و بعضی از رؤساء و احزاب شاید برای حفظ منک خودشان يك مصیبتی را از خارج برای مملکت دعوت میکنند برای اینکه البته این قسم مصائب از وجود اینطور چیزها است اسباب این شده است که این ممالک و مصائب به مملکت ما وارد شده است در ممالکتی که درجات اخلاق این است که می بینید در مملکتی که - زای خدمت جزای خیر اندیشی غیر از تهمت زدن و افرا

چقدر اختیار و اقتدار برای حکومت آن لازم است و خودتان بایستی دانسته باشید که همین قدر اقتدار و اختیاری که امروز هست کافی است یا باید يك درجه زیادتری اقتدار و اختیاری داشته باشند و ترتیب حکومت چه جور باید باشد این يك مسئله از عرض های بنده بود که در باب حکومت متمدن و مسئول بطور اختصار اینجا عرض کردم يك مسئله دیگر مسئله راجع تعیین مسلك خارجی است که از آن روزیکه داخل این خدمت شده ام عرض کرده ام يك اساس و مبنائی برای پولتیک خارجی بایستی در دست باشد که آنکسبیکه مسئول وزارت امور خارجه و حفظ روابط و مناسبات خارجی است و آن کسانیکه مأمورین آنوزارتخانه در نقاط خارجه هستند عارف بآن اصول و مسلك باشند تا اینکه بواسطه آن جزئیات اعمال و اقدامات خودشان را منطبق با آن بکنند - در ضمن امثال و نظایری که عرض میکنم لازمست اینرا هم عرض کنم که داشتن روابط خارجی و حفظ آن منحصر بدول و مدل نیست اشخاص مختلف و خانواده ها هم که میخواهند امور خودشان را مرتب بکنند و خانهای خودشان را حفظ بکنند اگر روابط خودشان را نسبت به مسایلهای خودشان ندانند که با آن مسایلهائی که دارند چطور باید مراد و معامله نمایند زندگانی آنها بکزندگی بی ثباتی خواهد بود پس مسئله روابط خارجی يك مسئله مهمی است و اگر يك مملکتی بگوید من روابط خارجی دارم و همین نباشد بلکه باید به روابط او بروی حوادث باشد و بگوید امروز که فلان حادثه آمد من بپلتیک یا بقشون یا بفیرواها میگذرانم فراهم اگر يك حادثه دیگر آمد آراهم يك ترتیب دیگری رفع میکنم و بالاخره يك اصول و مبنائی نداشته باشد بنده عرض میکنم کار يك مملکتی بهیچ جا نخواهد رسید حالا مبنای پلتیک ما بر اساس صلح آمیز است یا بر غیر آن در هر حال باید هر مملکتی يك اساس پلتیکی برای روابط خارجی خودش اتخاذ بکند تا اینکه حوادث واقعه را مطابق آن رفع نماید وقتی هم ما خواستیم يك اساسی برای روش خارجی خودمان اتخاذ بکنیم اولاً بایستی داخله ما را منظم بکنیم داخله که منظم شد آنوقت ممکن است يك روابط خارجی داشته باشیم این عرض را هم که کردم برای اشخاصی است که میخواهند و خیلی خیلی مانند که پلتیک خار جیر خوب و فوی داشته باشند ولیکن نظم داخله را هم میزنند و آسایش مملکت متزلزل میکنند بنده تقسیم اشخاص را عاقلی تصدیق میکنم که راه معکوس میروند و ممکن نیست که راه صحیحی باشد بالاخره لازم است عرض کنم که رشته پولتیک مملکت در واقع شریان بزرگ حیات مملکت است و این رشته را نباید بدست هر کسی داد که با او هر نوع که میخواهند بازی بکنند و بهر طوری که میخواهند بگردانند اشخاص که اینکار را میکنند بنده صریح عرض میکنم که با جان و با اساس مملکت بازی میکنند ولی بنده صلاح مملکت را اینطور میدانم و این پیشنهادها را میگردم و میگفتم در این مدت که اینکارها را باید بکنید و هر وقت که از قبول آنها مأیوس میشویم عرض میگردم استغماهای بنده را از وزارت خارجه بپذیرید و امروز بنده بهداری از این

حکومت مسئول این مملکت و اقتدار آن بجائی رسیده است که يك اشخاص بی اختیار بدیختی که اینجا نشسته اند هیئت وزرای این مملکت هستند که علاوه بر برداشتن اقتدار از اطراف بدیختی آنها را محاصره کرده حتی اینکه شنیده میشود که از اطراف و ولایات تلگراف میکنند و با آنها تهمت میزنند که هیئت وزراء میخوانند با اجانب بسازند و استقلال مملکت فزاد بفروشند و کارش را تمام کنند و مردم مملکت را میخورند بر خلاف يك عده قلبی که اسم آنها را گذاشته اند هیئت وزرای مسئول و میخواهند این هیئت وزراء در يك همچو موقع سخت و مشکلی برای آنها کار بکنند ملاحظه بفرمائید فاصله چند است بنده عرض می کنم که در يك همچو موقع سختی که از طرفی اختلافات و اغتشاش در داخله هست و از طرف دیگر هم اجانب شمارا محاصره کرده اند و قشون اجانب تا ۲۴ فرسخی پایتخت است و امروز تهدید میکنند پایتخت شما را در يك چنین موقعی عوض اینکه شما دولت خودتان را قدرت بدهید آنها چه قدرتی يك قدرت فوق العاده که با آن بتواند کار بکنند در يك همچو موقعی بر میدارند از اینجا بتمام نقاط حتی بآمریک تلگراف میکنند که هیئت دولت یول گرفته اند و با اجانب ساخته اند و میخواهند مملکت را بهم بزنند در يك همچو موقعی بدیختی برای يك مملکتی بزرگتر از این اظهارات و این ترتیبات نمیشود این يك مسئله آمدیم سر مملکت خارجی بعد از آنکه بنده آنقدر عجز و الحاح و استدعا کردم از آقایان و سکلاء که يك مسلک خارجی معین کنند در صورتیکه آنوقت بترتیب اتخاذ این مسلک خیلی سهل بود و ممکن بود که روابط ما خیلی بهتر از این باشد نشد که نشد و هیچکس با بنده مساعدت نکرد تا امروز که کار ما بجائی رسیده است که می بینیم يك قشون خارجی رسیده است (۲۴) فرسخ مملکت ما و تهدید میکند که مرکز حکومت ما را بیاید اشغال بکند این مطالب مقدماتی بود که بنده عرض کردم که اگر شما امروز هم يك مسلک خارجی و يك حکومت با اقتداری معین نکنید یعنی هر کسی را که طرف اطمینان شما است و میدانید کار میکنند کسی را که دیگر شما خجالت میکشید از اینکه او را تهمت بزنید یا افترا بیاورید و تهدید و اگر او را آوردید وزیر کردید دیگر خجالت نکشید از اینکه باو تهمت بزنید معین بکنید و مملکت را بدست و با بدید و بالاخره اگر يك حکومت مسئول و مقتدری درست نکنید و يك چنین حکومتی تشکیل ندهید بنده از تصور خطرانی که بر آن مترتب خواهد شد بر خودم مبارزم و نمیتوانم عرض کنم که چه مخاطره در پیش داریم و نمی توانیم بآن نفوذ بکنیم این مقدمه عرض بنده بود و اما مسئله مبتلا به روزی اول لیتاتوم روس را عرض می کنم که آقایان هم مسبوق هستند اولاً از تاریخ وصول این اولیتاتوم مسبوق هستند که بچه ترتیب رسید و چه ترتیب شده است و از بعضی اقداماتی که وزارت خارجه کرده است چه از حیث تلگرافاتی که بنقاط لازم کرده است و چه از حیث مذاکره با سفرا و بعضی از نمایندگان محترم هم در مجلس خصوصی که در این خصوص مذاکره میشد مسبوق هستند بالاخره يك پیشنهادی هیئت وزراء کردند بمجلس و

مجلس او را رد کرد و برخلاف شهرتیکه میدهند که وزراء بعد از آنکه پیشنهادشان رد شد استعفا نکردند برخلاف این شهرت بعد از آنکه این پیشنهاد رد شد استعفا کردند و استعفا خیلی سریع هم کردند که آقای نایب السلطنه و آقای رئیس مجلس و خیلی از وکلای محترم مسبوق هستند ولی نایب السلطنه و بعضی از نمایندگان محترم و از محترمین دیگر در يك کمیسیونی که برای همین کار تشکیل شده بود با بعضی از خیر خواهان مملکت که برای اینکار معین شده بودند در آن کمیسیون حاضر شده بودند اصرار زیاد کردند که دو مرتبه همان وزراء بجای خودشان باشند و داخل مذاکره شوند بلکه مواد این اولیتاتوم را تغییر بدهند این بود که بعد از آن تقاضا مجدداً هیئت وزراء قبول کردند که دو مرتبه داخل کار بشوند و از آنروز تا بحال در مسئله اولیتاتوم مذاکرات خیلی خیلی طولانی شد و این راه هم میخواهم عرض بکنم که برخلاف عقیده بعضی اشخاص که می گویند آمدن قشون اجنبی به پایتخت اهمیت ندارد هیئت وزراء از روی نصیحت خیر خواهان و مطابق عقیده عقلانی که عقل آنها مناط اعتبار است چون خیلی از اشخاص خیال میکنند که عقل آنها مناط اعتبار و مناط جریان امور مملکت است ولیکن در واقع نفس الامر حقیقت امر را تصویر نمیکند و ممکن است عقلشان مناط اعتبار نباشد هیئت وزراء از روی عقل آن اشخاصی که عقل آنها مناط اعتبار است آمدن قشون روس را بر کز خیلی خیلی اهمیت میدهند و حتی الامکان عقیده شان این بود که از این مسئله باید جلو گیری بکنند برای یکی از عقلا و خبر خواهان این مملکت تلگرافی کرده است که دیروز از لندن آن تلگراف رسیده است میگوید که آمدن قشون روس به پایتخت خیلی اهمیت دارد و بگرمه بر ورق را بر میگرددند و هیئت وزراء هم از روز اول ملتفت این مسئله شدند و میخواستند کاری بکنند که حتی الامکان قشون روس وارد پایتخت نشود و تا يك اندازه هم باین مقصود و نقطه نظر خودشان موفق شده اند که تا امروز وارد نشده است ولی شاید تا چند روز دیگر اگر ما طریق اصلاح اینکار را تعقیب نکنیم و نتوانیم سر این مملکت را بیک بالین بگذاریم وارد خواهد شد هر چه هست تا حالا که بر کز وارد شده است و در باب شرایط یعنی تغییر مواد خیلی مذاکرات طولانی کردیم این اهم آقایان عرض کنم وزراء که اولیتاتوم را که قبول کرده اند آنطوریکه شهرت داده اند که وزراء رفته اند و قبول کرده اند آنطور نیست هنوز کار را بهیچ جا نرسانده اند فقط يك مذاکراتی کردند که قشون وارد طهران نشود اما در باب شرایط داخل مذاکرات شدند در باب شرایط اول معلوم است که نمیکشند از آن شرط و باز برخلاف اینکه بعضی اشخاص گفته اند که بولتیک دولت موافق نیست با ماندن مسیو شوستر و خودشان میخواهند که مستر شوستر نماند بکلی برخلاف است و این را تکذیب میکنم و هیئت دولت خیلی مذاکرات کرد و خیلی خیلی مایل بوده است که مستر شوستر در سر کار خود بماند و در مذاکرات خودش خیلی مذاکرات برای بقای او این راه هم مقدمه عرض میکنم که مذاکراتیکه

ما برای تغییر شرایط اولیتاتوم میگردیم آن ما اول داخل مذاکرات نشیندند و میگفتند اولیتاتوم تغییر پذیر نیست وقتی که کار يك دولتی با اولیتاتوم رسید دیگر نمیشود داخل مذاکره شد که اولیتاتوم را تغییر بدهند یا باید جمعاً بپذیرند یا رد کنند ولیکن با وجود این ما از راههای غیر مستقیم داخل مذاکره شدیم در خصوص عزل مستر شوستر عرض کردم نیت دولت این بود که تغییر بنده ولی موفق نشد در باب شرط ثالث که مسئله خسارت باشد اقدامات خیلی شد و فعلاً از آن اقدامات تا این اندازه اطمینان حاصل شده است که آن خسارت يك مبلغی نخواهد بود که خارج از اندازه استطلاعات مالیه ایران باشد و از حیث مبلغ و پرداخت برای دولت ایران خیلی چیز سهلی خواهد بود نه اینکه يك چیز سختی باشد ولیکن در خصوص شرط دوم که مسئله مستشارها باشد با اینکه مذاکرات خیلی با کمال جدیت کرده اند و با کمال تنگی تعقیب شده بود چه در تهران و چه در جاهای دیگر ولی هنوز يك فایده بزرگی برای او مرتب نشده است فقط فایده آن همینقدر شده است که پیشنهاد اول روس ها تحصیل رضایت از دولتین بوده است و عیالاً این مطلب تغییر داده شده است باینطور که منوط بتبادل عقیده بین ۳ دولت باشد یعنی بعد از آنکه لازم شد در يك موقعی که دولت از خارج مستشاری استخدام نماید سه دولت باهم تبادل افکار بکنند ولی این راه هم عرض میکنم که بنده این را چندان تفاوت بزرگی با این مسئله اولی نمی دانم و همین ملاحظه هنوز در این خصوص اظهار رأی نکرده ایم مقصود این است که مذاکرات پایتخت رسیده است ولیکن در مقابل این تقاضا ها يك اظهاراتی هم از طرف دولت شده است از آن اظهارات آنچه بنده میتوانم عرض کنم یکی اینست که بعضی موافقت حاصل شد فوراً دولت روس قشون خود را مراجعت دهد این مسئله را ابتداء امتناع میکردند که ما نمی توانیم بپذیریم و میگفتند ما نمیتوانیم قشونی را که با اینجا آورده ایم برگردانیم شاید يك اتفاق دیگری بیفتد ما بآنها اطمینان دادیم که موافقت دیگری نخواهد افتاد این بود که آنها هم حاضر شدند که بعد از موافقت قشون خودشان را ببرند و يك مسئله دیگر هم تو همی بود از طرف دولت که شاید بعد از قبول این شرایط يك تقاضاهای دیگری هم از دولت روس شود و خجالت محل تشویش بود از این حیث هم اطمینان حاصل شد که هیچ تقاضا و شرایط دیگری نخواهد بود و غیر از این تقاضاهایی که شده است دیگر تقاضایی نخواهد شد و فعلاً همینقدر اقدامات شده بود بنده عرض کردم و فائده این مذاکرات این شد است که قشون وارد پایتخت نشده است حالا اگر این مذاکرات را هم قابل فائده میدانند اختیار با نمایندگان محترم است ولیکن این راه عرض میکنم که اگر بیشتر از این اینکار تعویق بیفتد وزراء دیگر نمیتوانند مسئولیت اصلاح و عدم وقوع بعضی خطرهای دیگری را بگردن بگیرند اینست امروز در این مجلس علنی با حضور آقایانی که هستند برای اینکه این هیئت وزراء مسئولیت را از گردن خودشان بردارند عرض میکنم اگر امروز نشینند و يك تصمیمی در

خصوص نکتید هیئت وزراء هم مسئول نخواهند بود و بیشتر نمیتوانند از این مطالب جلو گیری بکنند و از روی اوراق اعلی آنها معلوم خواهد شد حاضرند ثابت بکنند که در اتمام و اصلاح و انجام اینکار از وظیفه و تکالیف خودشان با این اختلافاتی که از طرف بعضی ها تولید شده است کوتاهی نکرده اند و باز هم این را بنده در خاتمه عرض خودم عرض میکنم که امروز ایران در يك بحران خیلی خیلی بزرگی است فقط مسئله بحران خارجی نیست بلکه يك بحران خیلی بزرگ داخلی را هم دچار شده است و اگر آقایان درست ملتفت این بحران نشوند و تفهمنند که علت این بحران چیست بالاخره این مطلب که امروز يك حکومتی ( دیسیپلین ) لازم است که مقتدر باشد که قوتش نفوذ داشته باشد آنوقت دچار يك بحران های خیلی خیلی سخت میشود که دخالت خارجی در آن بحران خیلی بیشتر از اینها خواهد بود و بهیچ جهت بر حسب مسئولیتی که بنده و این هیئت وزراء داشتیم تکلیف خود میدانستیم که این هرايش را عرض کنم .

**آقای شیخ محمد خیابانی** - به آقای وزیر - امور خارجه مطالبی فرمودند که لازم بود یادداشت بشود و یکی یکی هم صحبت بشود ولی از پیش مسبوق نبودیم و حالا هم که نبشند مشغول یادداشت کردن باشیم این است که هر چه نظرم میرسد عرض میکنم سه مطلب عمده را عنوان کردند اولاً شرحی از آمدن محمد علی میرزا و نتیجه گرفتن خودمان بیان کردند بنده در پیش خود لازم میدانم این مسئله را تشریح بکنم اولاً این مجلس را خیلی خیلی باید تقدیس بکنیم که همچو جلسه تشکیل شد که بعضی مطالب را اگر هم تمامانگویم بعضی اشاره ها بکنیم به محمد علی میرزا آمدن باین مملکت اما چطور شد که آمد اگر بخواهیم تفصیل بدهیم نه این کابینه سابق بلکه کابینه اسبق او دچار بعضی اشکالات میشود اگر در مملکت ما مجازات میبود و مجازات را ذبح نکرده بودند کارها با اینجا نمیکشید و تا این مجازات مقدس در این مملکت بعمل نیاید کار از پیش نمیرود ولی چه فایده که در این مملکت منسوخ شده است محمد علی میرزا نمیتوانست باین مملکت وارد شود اگر هشت ماه نماند قبل از این آن مسامحه ما مادی بدیدیم نبشند که از اطراف بما می نوشتند که محمد علی میرزا ملام مشغول بعضی ترتیبات است بدیختانه دولت مامشغول هیچ کاری نبودند نیکویم این کابینه چون این کابینه آنوقت روی کار نبود باید خیلی تشکر بکنیم از این کابینه از آن جنگها و اقداماتی که برای رفع محمد علی میرزا و سالارالدوله کرد ولی مجبور می بینم خودم را که بگویم آنطوریکه صلاح يك مملکت و يك دولت وطن پرستی بود نکردند اقدامات کردند ولی ناقص کردند از جمله نواقصی که باید اشاره بکنیم که محض ادعا نباشد این است که در کجای دنیا دیده شده است که يك قشونی بیاید در هشت فرسخی پایتخت و دولت اقدام نکند و آن قشون را مغلوب نکند بطوریکه هیچ قشون مغلوبی چنین مغلوبیتی را ندیده ولی ما بدیختها می بینیم که چهار فرسخ یا دو فرسخ هم آنها را تعاقب نکنند که لااقل آن بقیه السیف گرفتار بشوند و دیگر نتوانند برای

خودشان يك تدارک تازه بکنند همانجا در (ورامین) شکست با آنها دادند و برگشتند آمدند اینجا همینطور در باره سالارالدوله بدیدیم که دوسه دفته جنگ کردند و آن اقداماتی که قشون دولتی در همه جا میکنند بدیدیم که نشد فقط شکستی دادند و یا قصد نفر هزار نفر مسلمان از دو طرف بقتل رسید و آن ماده فساد که باید تعقیب بشود نشد که سماء که گذشت باز همان اوضاع سابقه پیش آمد سالارالدوله هم مثل نایب حسین کاشی که دزدی است نهایت دزد (۸۰۰) نفری تعقیب شد و رفت برای خودش قوه جمع کرد و خود محمد علی میرزا آن شکستی که در دوجای مازندران خورد يك شکست فاحش تاریخی بود ولی بعد از آن شکست سردار آن قشون باز ندران رفت و آن جاهانی را هم که باید بدست بیاورند بدست آوردند و تصرف کردند و چیزی نمانده بود که محمد علی میرزا استم که از پیش برود ولی آن سردار بیچاره بدیخت دوسه ماه هر چه فریاد کذیب که در اینجا قوه کم است محمد علی میرزا مشغول جمع کردن قشون است شماع السلطنه مشغول قشون جمع کردن است ما میدانیم که هیچ مساعدتی با او نشد و قشون فرستاده نشد این را خود وزراء باید تصدیق بفرمایند حالا کار بجائی رسیده که اینطور گرفتار شدیم که محمد علی میرزا دوباره آمده است و تر کمان دامغان را هم تصرف کرده است و طرف سمنان میآید اینها هیچ تقصیر این و کلاه نیست بعد این و کلا يك تقصیری نمیتواند بگردن بگیرند که چرا هیچ از وزراء استیضاح نکرده اند اگر در مقابل این تقصیر يك اقدام از وزراء بشود و باید در برای این (طریبون) من نیکویم تمام وزراء اینک و وزراء گفته میشود شاید از بعضی از آنها قصوری نشده است اگر بیایند اینجا بگویند این چیزها کشته است شما چرا از ما مواخذة نکرده استیضاح نکرده بنده آنوقت میتوانم بگویم که بنده این تقصیر را و سکلاء کرده اند اما چرا نکرده ام ترا هم آنوقت میگویم پس این مقدمه آمدن محمد علی میرزا که چرا آمده است پس نمیتوانید بگویند که تقصیر از شما است آمدیم بر سر دولت مقتدره که بعد از آن آن مسائل خارجی را فرمودند و بعد از آن آن مسئله پیشنهادها را اما لفظ حکومت مقتدره را چیزی است که چند ماه است بلکه از اول مشروطه در این مملکت نو کرده اما هیچ وقت در اینجا من نشیندم که واقفاً سراًحتاً يك چیزی بفرمایند تا قوه مقتدره دولت بفرهمنند که مقصود از آن چیست و چه میخواهند و منتها این کابینه را عرض نمیکند تا حال هر کابینه هم که تشکیل شده است اینطور گفته است و باینجهت آمده است بعضی اجازات از مجلس گرفته است چه اختیاراتی ؟ اختیاری که در هیچ جای دنیا بهیچ کابینه ندادندند هیچ اختیاراتیکه در این مجلس داده شده است که عبارت از (۱۳) ماده (۱۱) ماده دهمه یکماده که مکرر در مکرر داده شده است و تا حال مقصود را نفهمیدیم که آن حکومت مقتدره که از خارج هم میشوند در بعضی مقامات رسمی خارجی صحبت میشود که بدیختانه وزیر امور خارجه ما بنایستی تصدیق بکند که بنده در سهم نمایندگی خود میخواهم يك شرحی بگویم و تکذیب بکنم آن را به وقتی در این مملکت تقریباً از صدسال قبل بلکه یاد یک حکومت مقتدره ای بود که حکومت فاجار بود و ما قبل او باشد و مختصری

از او اخر مظفرالدین شاه و زمان محمد علی میرزا بدیدیم آن اختیاراتیکه آن حکومت داشت از اختیارات خداوند هم بالاتر بود زیرا اختیارات خداوند در ظلم استعمال نمیشود بدیدیم که خارجه ساکت بودند هیچ وقت نمیکشند در ایران يك حکومت مقتدره لازم است یعنی تصدیق میکردند که آن حکومتی که بود مقتدره بود و خیلی خوب بود ولی مقصبات و بیشرقت کار عصر حاضر و تمدن دنیا چنین اقتضاء میکرد که آن حکومت ظالمة که بود تصدیق تمامه اعیان ما بشت با بآن برنیم و آنرا اگر نتوانستیم از روی زمین برداریم بجهت الله این ملت ایران موفق شدند و آن حکومتی را که خارجهها تصدیق میکردند و شاید در مملکت ما هم بعضی آرزوی آنها دارند آنرا برداشتم حالا بهیچیم حکومت مقتدره که عنوان میشود العباد بالله که بنده چنین نسبتی بوزرای حالی بهدم ولی مقصودم این است که مطلب وقتی برده دار شد مخاطب هیچ چیزی نفهمد باید شرح بشود اگر حکومت مقتدره که هر چه بخواهد بکند ما باید داشته باشیم پس چرا اینقدر مملکتها کشته میشوند و حال آنکه اگر انگشت يك نفر مسلمان خراشیده بشود بیش خدا چندر عظمت دارد پس چرا آنقدر ها روی خاک بیفتند چندر صفتهای بر باد برود و چندر مالها را ببرند پس مقصودشان آن حکومت مقتدره که هر چه بخواهند بکنند نیست پس معلوم است آنرا نخواهند گفت که آن شکل حکومت مقتدره باشد آمدیم بر سر اینکه يك حکومت مقتدره بخواهند که در ممالک مشروطه است و گویا آن را آرزو دارند اولاً این را باید دانست چون در ضمن بعضی صحبتها شنیده ایم اگر هم گفته نشده باشد باید تقدیرش را بکنیم و جواب او را هم بگوئیم و باید گفته شود که در ممالک دنیا خیلی مملکتها مشروطه است و مشروط در همه جایست و واحد نیست يك مشروطه است که پادشاه در آن مملکت اقتدارش خیلی زیاد است بکجهام مشروطه است که ملتان هم فرد فرد اقتدارت را در دست دارند که در مقابل مجلس کار میکنند و رأی میدهند اینها مطالبی نیست که بنده حالا بخواهم شرح بدهم حالا اگر آمدیم که تیم که ما مشروطه هستیم و تصدیق بکنیم مشروطیت خودمان بعد از آن باید تصدیق بکنیم يك مشروطه هستیم ما بطوریکه در قانون اساسی وضع شده و هیچ نباید از سرحد ایران یا بیرون بگذاریم یعنی عقلای ما با کمال عمل و فراست نشینند و این قانون اساسی را نوشته اند و يك اندازه هم از خارجه اقتباس کرده اند و در ایران يك مشروطه تأسیس کرده اند که قانون اساسی حاکی از آنست و هر چه میشود در این مملکت تا آن قانون اساسی نسخ نشده باید از روی آن باشد پس اختیاراتی که دولت ایران میتواند داشته باشد از شاه گرفته تا آخرین نقطه که پلیس و سرباز باشد باید از روی آن قانون اساسی باشد که چه اندازه میگوید ! تبارت دولت بدیخت یعنی اختیاراتی را که دولت میخواهد و غالباً مجبور شده ایم آن اختیارات فوق العاده را با آنها بدهیم چه اندازه است آن اختیارات را در قانون اساسی معین میکنند آقای نایب السلطنه که اول شخص عالم است در این مملکت خودش ملتفت است و همیشه میگوید که من مسئول هستم این را کسی نمیتواند بگوید که انگلیس هم مشروطه است و لا تقدر اقتدارت بمحکومتش

داده است بیعت اینکه در مملکت ما اختیارات و وزراء محدود و در قانون اساسی معین است در مملکت مشروطه ایران هفت هشت نفر وزیر باقتضای وقت معین میکنند آیا اینها چه اختیاراتی باید دارا باشند آن اختیاراتی که مجلس شورای ملی بآنها میدهد غیر از آن اختیاراتی که مجلس شورای ملی میدهد هیچ اختیاری دیگری ندارد مجلس بجه ترتیب آن اختیارات را میدهد مجلس قانون وضع میکند و تئذیه قانون وضع نشده است بکلیت قانون اساسی باید عمل بکنند مگر اجمالش معین است و بنده هم اجمالا اشاره خواهم کرد آن چیزهایی را که قانونش تا بحال معین نشده هنوز موقمش نرسیده است والا کی شده است در این مملکت هیئت وزرائی تشریف بیاورند و یک لایحه پیشنهاد بکنند که اگر آن قانون رد بشود نمیتواند دخالت بکنند در امور مملکتی یا اگر این قانون وضع بشود برای وزراء اختیار باقی نماند در این دوره دو ساله که از دو سال هم گذشته است بنده چنین چیزی ندیده ام حتی آن اختیاراتی هم که فوق قانون است خواسته اند محض آنکه نگویند اختیارات نداریم آن اختیارات را مجلس داده است پس اختیاراتیکه وزراء باید داشته باشند این است که قوانینی وضع میشود و از روی آن قوانین وزراء عمل میکنند شاید مثلا بفرمائید بعضی چیزها هست که تا وقتی که قانون برای آنها وضع بشود طول میکشد یا ربط بقانون ندارد یا بعضی چیزهایی که از امور عادی نیست و فوق العاده اتفاق می افتد بنده می بینم که با آن تشنگی که و کلا باجری آن امور داشتند با آن مواظبتی که و کلا بدیعت بیچاره داشتند که آن امور اجرا بشود از قبیل تشبه اشرار و مفسدين و از قبیل جلوگیری بعضی از مواد فسادیه که قانون آن مسلم در تمام دنیا هست که احتیاج بوضع قانون ندارد اینجا میتوانم بگویم که از اول تاسیس مجلس که وزراء روی کار آمده اند تا بحال که این هیئت وزراء اینجا نشسته اند هیچ ندیدیم مقصوری را که قانون هم در حق او وضع شده اجراء بشود همیشه دیدیم ایس حبس خانه ها پر شده است از مقصرین و بعد شنیده ایم که آنها مرخص شده اند و رفته اند و هیچوقت ندیده ایم که قبل از وقت که آتش فساد دارد شعله ور می شود یک آبی بآن پاشیده شده باشد پس قصور بیکه در اعمال دولت شده است از طرف مجلس نشده است ملت هم که نباید دخالت بکنند پس اینها نشده است مگر از طرف دولت و اختیاراتیکه میخواهند بوزراء داده شود که آن اختیار بر گردد بآن شکل اختیاراتی که محمد علی میرزا داشته است که در ضمن صحبت باید بگوئیم که یک شش هم آن است او را هیچوقت نباید وزراء تقاضا بکنند و کلام: نخواهند داد اهالی مملکت هم حاضر نمیشوند و نخواهند شد ولی بدبختانه از آن اختیارات هم استعمال میشود در این مملکت عوض اینکه اسد را بفساد دفع بکنیم حرف زده ایم و مملکت را حفظ نکرده ایم که مبینیم و تمام مملکت شاهد است با این وضع و حالت هیچ شوال و استیضاح نشده است در این مملکت دیده ایم که بعضی کارها مخالف صریح قانون اساسی شده است که مجلس در آنجا بطور غیر رسمی مداخله کرده است و خواسته است که وزراء را بیاورد اینجا مآخذ بکند بیک

از آن بدبختیها این مسئله اولتیماتوم که آمد بهمان ترتیبی که همه میدانند مسئله اولتیماتوم چیزی بود که واقعا باید نظر موصوم ملت در آن باشد و مجلس هم دخالت کرد در این مسئله و رأی مجلس هم معین شد یعنی او را رد کرد بعد از آنکه رأی مجلس معلوم شد بامر ریاست مجلس بولایات و سایر جاها تلگراف شد راجع بولتیماتوم روس و در سایر جاها هم تلگرافاتی که میرسد آفتابان در مجلس و خارجیها در روزنامه جات مبینند که این تلگرافات چقدر اثر کرده است و خیلی باید تشکر کرد از هیئت دولت یعنی وظیفه شان این بود که قبل از وقت و پیش از رسمی شدن این خبر اولتیماتوم ملتفت شدند و سفارش کردند که ماهر تلگرافی که راجع بولتیماتوم مخابره بشود مانع نباشند اینها را از طرف دولت باید بدانیم که در این جا یک مخالفتی نکرده یعنی دولت مداخله در این کار نداشت ولی امروزه مبینیم بعضی تلگرافات راجع بولتیماتوم منتها عرض نمیکند راجع بامورد دیگر مملکت بعضی تلگرافات لازم است مخابره بشود مثلا آذربایجان امورش تنها راجع بخارجی نیست بعضی تلگرافات دیگر هست که مبینیم راجع بامور داخلی است و از طرف دولت جلوگیری و توقیف میشود بنده اینجا نمیخواهم خیلی در این باب تفصیل بدم این یک مسئله خصوصی است که باید مذاکره شود بنده میخواهم بدانم که این قبیل اختیارات است که میخواهند که از زمان محمد علی میرزا چنانچه تلگرافات توقیف میشد در این زمان هم توقیف بشود و هیچ کسی حرف نزد باین قبیل اقتدارات مجلس را نمیخواهد شد که این اقتدارات را بدهد این مسئله را اگر بخوایم عنوان کنیم مبینیم که باید خیلی طول بدم عجلانما میگردم و عرض میکنم که اختیارات و اقتداراتی که برای دولت میخواهند اگر اینست که میخواهند یک دولت مقتدره موافق اقتضای این دوره تشکیل بشود این هم که نشده است و محض استحضار خاطر عموم عرض میکنم که شاید از دو کلاهوزراء هم باشند که بگویند مقصود وضع مملکت است که یک کابینه که دارای اقتدارات باشد که مجلس تمام اختیارات را بآنها بسپارد و آن وزراء بروند کار بکنند و کلام بروند استراحت بخواهند این نمیشود مگر از روی یک مسلک صحیحی که وزراء داشته باشند و کلام هم همان مسلک را داشته باشند در طرف این دو سال ماندیم که هشت نفر وزیر منتخب شون و یک مسلک صحیحی داشته باشند که موافق باشند باین فرقه که آن فرقه مسلک مستقیمی دارند که در تمام امور خارجی و داخلی باید از روی آن مسلک کار بکنند اگر میشد آن وزراء حق نداشتند که بیاندشکایت کنند از ادارات دولتی همیشه وزراء که روی کار آمده اند اگر هم مسلکی در کار بود بیک دو نفر از روی یک مسلکی بدهد و بداند دیگران هیچ صاحب مسلک نبوده اند همینطور مختلط شده اند و آنها که عیوب را می بینند و میزدارند که موافق مشروطیت در این مملکت هر حکومتی که تبات داشته باشند در آن باشند آنها خودشان اقرار خواهند کرد که تصیری آن هم راهان خودشان است آقای وزیر امور خارجه که این مسئله را عنوان میکنند بنده نمیتوانم تقدیس بکنم ولی عرض میکنم که بیاورند شش هفت وزیر هم

خودشان که بنده بینم تمام نکات سیاسی و بلتیکسی و مسلکی را ملتفت هستند آن وقت بنده التزام می دهم که اقلا دو سال سه سال در این مملکت بتوانند کار بکنند و بنده نمیخواهم از نزاکت خارج بشوم (ولی چکنم آقای وزیر) یک نکته اعتراضی فرمودند مقصود از آن اعتراض غرض است اگر آن غرض میان خود وزراء معمول نشود اگر آنطور وزراء آوردند بچسب بنده اطمینان میدهم از طرف مجلس که و کلام کمال مسامحت را بکنند که بتوانند دوسه سال در این مملکت وزارت بکنند بی مواخذه ولی بدبختانه اینطور نیست باید سوال کنیم استیضاح کنیم اما آمدم بر سر مسئله روابط خارجی بنده هیچ حاضر نبودم که آقای وزیر امور خارجه این مسئله را در اینجا مکرر در مکرر اظهار بکنند چرا بواسطه اینکه همین آقای وزیر امور خارجه بودند از یک ماده که تقریباً یکی دو ماه پیش از این وقتیکه وزراء میخواهند پروگرام خودشان را تقدیم مجلس بکنند همین آقای وزیر امور خارجه مدافع بودند از یک ماده که ماده دوازدهم یا یازدهم بود که بنده یک مقداری اشکال کردم و مدافعه کردند که مقصودمان اینست که روابطمان را با خارجه استوار و محکم بکنیم و بنده آنجا عرضی کردم که مقصود از روابط خارجه در اینجا که میفرمایند باید یک مسلک خارجی باشد این آیا تکلیف فرد فرد ملت است یا تکلیف مجلس است یا تکلیف وزراء است این مطلب باید معلوم بشود که این تکلیف وارد بیک است سابق یک چیزی سربسته آورده بودند اینجا باید مایک مسلکی اتخاذ کنیم که روابطمان با خارجه محکمتر و استوار باشد و مجلس هم رأی داد اگر بفرمایند یک چیزی آورده باشند بچسب و مجلس رد کرده باشد بنده تکذیب می کنم کی آورده اند اینجا یک معاهده نامه یا یک مقاله نامه یا یک قانونی که راجع بروابط خارجی باشد که همچو قانونی برای مملکت ما لازم است که وضع شود یا مقاله نامه تهیه شود کی آمد اینجا که وارد کردیم و قبول نکردیم هر وقت بعنوان کلی خواه کابینه سیددار باشد خواه کابینه آقای صمصام السلطنه باشد که خود آقای وزیر امور خارجه در اینده اخیر مدافع آن پروگرام بودند و هر وقتی بعنوان کلی یک لایحه و پروگرامی می آوردند که باید رابطه ما مستحکم و استوار باشد اینک میدانستیم که این بنا خواهد شد با این وصف باز رأی دادیم و قبول کردیم که باید اینطور باشد و منتظر بودیم که جزئیات او را بیاورند که وارد کنیم یا قبول وقتیکه بیاورند گویا انصاف حق ندیده که روابط خارجی وظیفه وزیر امور خارجه است که یک لایحه درست بکنند بیاورد که بیرون خارجه که داریم آنها هم نظریات خودشان را میگویند و میآورند بچسب و از مجلس میگذرانند همچو چیزی که در این مملکت نشده است پس این اعتراض بر ما وارد نیست و بنده محض اینکه وقت آفتابان دیگر را مزاحمت نکنم از این هم میگذرم و عرض میکنم که در باب رابطه خارجه از طرف مجلس قصوری نشده است ولی اگر از طرف وزراء وظیفه قانونی عمل میشد و کلام هم همراهی میکردند و تا امروز هم نشده است که ما بفهمیم که مقصود از این رابطه خارجه چه چیز است بنده که یکی از کلام هست نباید بدانم

که چیست؟ چنانچه امروز آنرا علنی بطور کلی اظهار کردند بفرمایند که روابطمان بجه شکل باشد تا بنده همراهی و تصویب بکنم تا اینکه رابطه ما محکم باشد علاوه آنروابطی که تمام منصفین دنیا تصدیق کرده اند که ما این دولت باید باشد تمام محکم است و آنهایی را که میگویند محکم نیست باطلهم میشود تصصیری نداریم اما آمدم در خصوص مسئله اولتیماتوم در خصوص اولتیماتوم عقیده مجلس چنانچه یکی از آن ناطقین آن روز بنده بودم معلوم شد و عرض کردم استقلال مملکت یک چیزی نیست که ما بتوانیم بعل خودمان بدهیم اما در مسئله مستر شوستر آقای وزیر امور خارجه بعضی تندیها فرمودند که گویا نسبت داده شده است که وزراء قلباً مایل هستند و روسها هم استرداد نمیکند اولاً این را عرض کنم چون آنروز در مواد اولتیماتوم بنده چیزی عرض نکرده ام تنها شوستر آمریکائی که خزانه دار کل ما شده است نسبت با چند نفر آمریکائی دیگر و تنها اختیاراتیکه شوستر داده شده است که عبارت از سیزده ماده است آنهم نیست که شکایت از آنها هم بعضی اوقات میشود ایشانهم مقدمه بنده عرض میکنم که آنروز که در آن سیزده ماده رأی گرفته شد به بنده ورقه آبی داده امتناع هم که از عادات این مجلس است و گاه میشود که رأی ندهند نکرده بلکه رأی دادند که این سیزده ماده اختیار بیاید امروز شوستر داده شود و بعضی دلایل داشتند که در خارج هم با و کلام صحبت کرده بودند پس بنده چندان مدافع آن سیزده ماده نبودم ولی امروز از شوستر با کمال جدیت مدافعه میکنم و راضی نیستم که از اختیارات او بکفتریم کاسته شود یا العیاذ بالله او از این مملکت برود در او یک نظرات دیگری دارم و آن اینست که اولاً تشکر میکنم از اقدامات مستر شوستر که او آمد و آن اقدامات را کرد بجهت اینکه قبل از آنکه وارد یک مملکت بشود و بعضی اختیارات بگیرد آن جریره و اقدامات او را ندیده بودیم و همین قدر از خارج شنیده بودیم که این شخص عالی مقدار است ولی بعد دیدیم که خیلی قابل و لایق و عالیمقدار است و اینکه آقای وزیر امور خارجه فرمودند که گفته شده وزراء در این مسئله همراه هستند بنده تکذیب میکنم چنین چیزی گفته نشده است و نمیتوانم اینرا تصدیق بکنم که همچو چیزی گفته شده باشد که وزراء همراه باشند چون خیلی تندری اعتراض کرده اند بنده ناچارم که بمقتضای دینم و آئینم اسلامیتم ایرانیتم بگویم که همه وزراء مخالفت نکرده اند و نیسکوم که کی مخالفت کرده است و میدانم آن اقداماتیکه شوستر میکند بمنافع بعضی بر میخورد و آنها راضی نیستند وجدان من حکم میکند که بگویم اگر نیسکوم پیش وجدانم و پیش خدا مقصر هستم و اینرا همه دیده اند و بنده تنها نمیگویم و گمانم اینست که هیچکس از آن مسئله بی اطلاع نباشد همه میدانند همچو چیزی نیست شوستر در این مملکت چه کرده است از آنروزیکه شروع شده است در دفع محمد علی میرزا آنچه شنیده شده گویا چهار کرو و دویست هزار تومان پول داده است هر وقت تاضاهائی شده است بترتیب داده است نهایت هر وقت که یک ورقه درخواستی که فرستادند توضیح خواسته است که من بدبخت که از آمریکا

آمده ام اینجا نماندم این پول برای چه مصرفی است اینرا توضیح خواسته است و با این فشارهایی که از طرف محمد علی میرزا باین مملکت داده میشد اگر با آن تندی که او می آمد از طرف شوستر پول داده نمیشد دفع شر او نمیشد معلوم میشود که او در پول دادن هم خیلی تند است منتهی با حساب داده است و خیلی هم رسیدگی میکند این تقصیر شوستر شده است بنده آنچه حس کرده ام قبل از آنی که روس این اولتیماتوم را بکند قبل از آنکه این صحبت ها بشود بنده شش هفت ماه است این را حس می کنم که همیشه اصلاحات را که می خواسته ایم از وزراء می گفته اند که شوستر پول نمیدهد من باب مثل عرض میکنم خیلی هم دور از مثل نیست نگویند مثل است مثلا رفته ایم در هیئت وزراء که در تریبون میگویند برای اینکه برویم جنگ و برای اشغالی که باید در سنگر جنگ بکنند هزار قبضه تفنگ لازم است که از ذخیره بردارند قفسن کنند ما منت نکند آنوقت میگویند که شوستر پول نمیدهد آنوقت بنده حس میکنم که اگر مخالفتی درمهم باشوستر نبوده است در بعضی اینستاد که بوده است آنچه هم که گفته شده که در خارج اشتها داشته باشد زیاد از این نسبت که بنده در اینجا حس کرده ام هر کس که میدانند این چیزها را و با وجدان باشد تصدیق میکنند که اینطور بود اما اینکه روس دست بر نمیدارد از این تقاضای اولش که برداشتن شوستر است و آنروز هم در مجلس رد شد مسلم است شوستر تنها یک نفر آمریکائی شوستر نام نیست که دست بردارد شوستر اقداماتیکه کرد اگر دو سال دولت همچو با مهلت میدادند و این اندازه فشار نمیآوردند و در داخل هم تحریکات نمیشد بعد از دو سال مالبه ایران یک مالیاتی میشد (بنده که آن اندازه اطلاعات ندارم) آنها تئذیه اطلاع آنها زیادتر است میدانند که مالیات ایران یک مالبه میشد که نمیتوانم تجدید بکنیم یک مالبه میشد که تمام دنیا تصدیق میکردند همینقدر میگویم چون می بینند مالبه ما دارد روبرو ترقی میکند و هر دولتی که بخواهد ترقی بکند از راه مالبه میتواند ترقی بکند و همه ترقیها از روی ترقی مالبه است اینست که دولت بجهت روسی دست بر نمیدارد و فهمیده است که ما میدانیم که شوستر تنها یک نفر آمریکائی نیست شوستر یعنی اصلاح مالبه ایران البته دست بر نمیدارد ما هم میگوئیم چون ما در این آب و خاک زندگی میکنیم و هر صاحب حسی که در یک آب و خاک زندگی میکند باید در آبادی آنجا بکوشد و آنجا را مالک بالاستعناق باشد بیچوقت ممکن نیست که بیائیم بختیار خودمان دست از اصلاحاتمان برداریم و نباید یک تهدیدی بکنیم یا یک دولتی که هیچ ممکن نیست و خیالش هم بقوه متغیله بنده نمیکند و اینجا هم میگوئیم که ملت محبوب ما بشنوند مسئله مستر شوستر (یعنی اصلاحات مالبه) چرا؟ یعنی اگر شوستر از این مملکت رفت و دیدند که تهدیدات دیگران میشود بکنفر اصلاح کنرا از مملکت برداشت دیگر مثل شوسترها در این مملکت نخواهند آمد مثلا دیگران میشوند که باید مهمل باشند پس شوستر یعنی اصلاحات مملکت اما آمدم بر سر مسئله ثالث که میفرمایند کار بیجانان رسیده است که چندان برای ایران سخت نیست و

سهل است از اول هم گویا بنده که یکی از و کلام هست میدانستیم که دولت روس یک قدری پائین میآید و علت او را هم در اینجا نمیگویم و علت او را هم دیپلمات ها بهتر میدانند که پائین خواهد آمد اما مسئله دوم که اینجا سوم میشود مسئله مستخدمین خارجه است چنانچه آقای وزیر امور خارجه فرمودند که پس از این مذاکراتیکه در این مدت هیچده روزه نتیجه که بدست آمده است و چندان فرقی با آن پیشنهاد اولی ندارد و خودشان هم تصدیق کردند و این مسلم است که هر طور باشد با یک تفاوتی است لفظی است ولی معنی بین آن هر دو یکی است و منتهی اینست که بعد از این نتوانیم مستخدمین خارجه بیاوریم که بتوانند برای ما کار بکنند اگر هم آوردیم اشغالی خواهند بود که سالی از ماه هر یک ده هزار تومان یا بیشتر پول بگیرند و اصلاحات هم نکنند و یک مقامیرا اشغال بکنند که خیلی مقام عالی است پس آنرا هم چنانچه خودشان اقرار فرمودند مجلس آنکسانی که قبیل این ملت اند بیدیل و اختیار خودشان نمیتوانند اجازه بدهند که این را بدهند این مسئله را هم مرد کردیم که فرات از ما میخواهند ما بدوات بجهت روسی نگفته ایم که غرامت میخواهد ما بدوات بجهت روسی نگفته ایم که قشون بایران بیاورد چنانچه سه سال است قشون آورده است در آذربایجان وارد بیدیل و تمیذاتی که از طرف قشون آرس شده است نمیتوانم بنده بتقریر بیاورم فرق نمیکند آنهم مملکت اسلامی است اینهم مملکت اسلامی است اینهم قزاق است آنهم قزاق و ما فرق نمیکند این بین این قشون و آن قشون چنانچه در قزوق بعضی تعذبات میشود در اردبیل تعذبات میشود اردبیل مگر مملکت ایران نیست تیریز مگر مملکت ایران نیست آستارا که دو سال است قشون آورده است وجه تعذبات میکند مگر مملکت ایران نیست پس مافرق نمیکند این قشون و آن قشون این قشون را برده بود دو باره آورده است اما چون برای قشون اولی سند داده است بآنچنان ایالتی آذربایجان کم غرامت نخواهم خواست و اینجا سندی نداده است میخواهد یک بهانه غرامت بگیرد ما هم تصصیری نکرده ایم که فرات بدیم دولت روس دولت قوی است قشون آورده است بملکت ما و ما چیزی نمیتوانیم قبول بکنیم و نمیتوانیم اقدامات دیگری بکنیم همینقدر عرض میکنم که یک ملت مظلومی که شش هزار سال است استقلال داشته است نمیتواند استقلال خودش را از دست بدهد اجمالا در آخر عرض خودم عرض میکنم که آنسه ماده را مجلس نمیتواند قبول بکند و اینکه شکایت میکنم در این چند روزه مجلس علنی نشده است که شکایت بکنیم شکایت از چه بکنیم چنانچه آقای وزیر امور خارجه فرمودند این اقداماتیکه در این چند روزه شده است اگر نمیشد حالا کار بجائی بد کشیده شده بود بنده برخلاف آن عرض میکنم بله یک روزی هیئت وزراء جواب رداژ مجلس شنیدند اینهم راست است که آنها استعفا کردند لکن آقای نایب السلطنه پذیرفتند و یک کمیسیون انتخاب کردند که آنها نشنند یا بعضی مصاحبت نگذاشتند که وزراء استعفا بدهند ولی اینرا هم باید وزراء ملتفت باشند که استعفا دادن مناصب نیست مناط این است که وزراء باید موافق میل ملت برای این مملکت کار بکنند موافق میل روس و دیگر

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران  
شماره ۱۳۳۶  
۱۳۳۶

اینکه استعفا داده اند یا نداده اند بنده نمی فهمم و طرف (۱۸) روز ۲۰ روز اقداماتی که میشود باید با اطلاع مجلس و مجلسیان برسد یکی از و کلا که بنده هستم تا این ساعتی که این مسئله اینجا گفته شد نشنیده بودم همینقدر در مجالس خصوصی آنچه از وزیر امور خارجه شنیده ام این است که همیشه فرمودند غیر از اینکه قبول شود دیگر چاره نداریم و ما هم همیشه گفته ایم که باید رد شود و غیر از این چاره دیگری نیست و مرض میکنم چون این مسئله مسئله خیلی عملی است و مثل مسائل هائی نیست اگر باید حل شود باید با اطلاع مجلس حل شود و مجلس اینرا حل نکند و اگر حل نشدنی است آنرا هم مجلس باید بگوید ما هیچ وزاری را نمیتوانیم بشناسیم که بدون اطلاع مجلس خودشان این مسئله را حل بکنند کار را بجائی برسانند که مخالف برای اولی مجلس باشد .

**وزیر امور خارجه** - عرض میکنم که امروز هیئت وزراء اینجا برای معارضه نیامده اند که مذاکره بکنند و یک جوابهای بشنوند و باز جوابهای بدهند و باز جوابهای بشنوند برای این نیامده اند مقصودشان این بوده است که بیایند اینجا در مملکت را بگویند و تشریح بکنند و چاره بخواهند از نتیجه عرایض خود در خانه مذاکره ای که مرض کردم بعضی پیشنهادها هم داشتم که آنها را هم باید مرض کرده باشم و موقع نشد و گفته شد بعد از نطق یکی از آقایان بمرض خواهم رساند لکن فرمایشاتی که آقای خیابانی فرمودند بنده هم جوابهای آن را یادداشت کرده ام و اگر جواب بدهم و شاید غالب آن جوابها هم جوابهای صحیحی باشد باید یک ساعت هم بنده مثل ایشان حرف بزنم و جواب ایشان را بدهم و اگر هم آن جوابها صحیح باشد قبول نخواهند کرد این است که بنده هم داعی بگفتن آن جوابها نمیباشم ولی جواب یک مسئله را بنده لابد عرض بکنم که میفرمایند باید مجبور باشند مطابق رای مجلس شورای ملی کار بکنند بنده عرض میکنم که همچو چیزی در تمام دنیا نیست و هیچ آدم عاقلی این حرف را نمیزند و در هیچ جای دنیا همچو تکلیفی نشده است که وزراء مجبور باشند برای مجلس رفتار بکنند و وزراء عقیده خود را میگویند اگر پذیرفته نشد استعفا می دهند و وزراء هم آمدند عقیده خود را اظهار کردند و مجلس رد نکرد استعفا دادند و استعفا آنها را والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه نپذیرفته و آن کمیسیون که در مجلس شورای ملی کرده بودند آمدند و گفتند شما نباید استعفا بدهید و در چنین موقعی که مملکت در خطر است استعفا دادن صحیح نیست و کابینه را بحال بحران نگذارید این بود که قبول کردند و رفتند مشغول یک مذاکره ای شدند شاید آن مذاکرات که نتیجه اش خوب نبوده بد هم نبوده است دیگر سایر فرمایشات آقای خیابانی را هیچ عرض نمیکنم برای این که جواب عرض کنم و بعضی از فرمایشات ایشان هم لایق جواب نبود اما آمدیم در باب آن پیشنهادها که میخواستیم مرض بکنم یک تصمیمی بالاخره بگیرد در این مجلس آن ۳ مطلب بود که دو تای آنها را منصرف شدم ولی پیشنهاد اولی که

**از آن منصرف نشده ام اینست که استعفا می آید** هیئت وزراء را مجلس مقدس بپذیرد و یک هیئت وزاری را معاینه آراء و نظریات مجلس که معلوم نیست نظریات مجلس هم چیست معین کنید که باید نظریات موهومی کار بکنند یا این کار را بکنند یا این که موافقت بکنند با نظریات این هیئت وزراء یا این که کمیسیون که طرف اعتماد مجلس باشما از احزاب وی طرف ها معین بکنند که آن کمیسیون طرف اطمینان باشد و آن کمیسیون اختیار بدهند که با وزراء شرکت بکنند در تمام کردن این مسئله یکی از این سه کار را بکنند همین امروز بکنید که اگر امروز نکند باز بنده عرض میکنم که یک خطرات بزرگی را برای مملکت جلب کرده ایم

**وزیر پست و تلگراف** - اینجا آقای خیابانی دو سه فقره ایراد گرفته بوزاره که چرا تعقیب نکردند سالارالدوله را یا محمد علی میرزا را بنده در تعقیب نکردن محمد علی میرزا سالارالدوله و در باب شکست ارشدالدوله و قشون او باید جواب بدهم که ما مسئولیت بدانند علت چه بوده چون وزراء مجبور هستند که دفاع از حق خودشان بکنند در باب شکست ارشدالدوله بعد از گرفتاری و آوردن او بپهران قشون او بطوری متفرق شد که آناری از آنها معلوم نبود و محتاج بدنبال کردن نبود چون اثری از آنها باقی نمانده بود و حتی هیئت دولت حکومت هم فرستاد بشاهر و دوارد شد با کمال قدرت حکومت میکرد و حاکمی که فرستادند بشاهر و دوارد استر آ بادم شده مانند طور که میگویند اختیارات بدولت دادند ولی متأسفانه از یکطرف بطوری دست و پای دولت را در پوست کرده گذاشتند که نمیتوانستند کار بکنند و تکان بخورند درست است از یکطرف بلکه اختیاراتی داده اند بموجب چند ماده که معتز هستند ولی از یکطرف چنان دست و پایشان را بستند که نتوانستند حرکت بکنند بطور مثلاً بنده امروز باید قشونی بفلانجا فرستم که در فلان موقع حرکت کند این پول میخواهد وقتی که پول میرسد هر قدر وزراء میبویسند هر چه میگویند که باید این قشون در فلان موقع حرکت بکنند و تعقیب بکنند تا بفلانجا برسد هیچکس بداد این وزراء نمی رسد پول نمی رسانند این بود که پول نمی رسانند و قشون نتوانست که تعقیب بکنند این بود که محمد علی میرزا همانجا ماند کم کم ریشه کرد و برآشت دولت هم مجبور شد که آن قشون را بخواهد برای جنگ سالارالدوله که سی هزار قشون آورده بوده و دولت تقریباً سه چهار هزار جمعیت فرستاد و او را شکست داد و تعقیب کرد در همان دولت چهار روز قشونش معطل شد و نتوانست پول باو برساند که برود سالارالدوله را تصاحب بکنند یک ماه تمام قشون دولت در همان متوقف بود و پول نرسید بعد از زحمات زیاد که پول باو رسید رفتند به برورد او را شکست دادند رفت پخرم آباد از آنجا هم باز فراری شد رفت به هیلان خاک پشت کوه دو مرتبه موعده چیره قشون رسید که الان چهل و پنجروز است قشونی که در آن صفحات منتهی دارد نه اقوامی دارند نه زندگانی و باید پول داشته باشد که صرف خودش و مالش

بکنند پول باو نرسد و مجبور شده است برگرود بیاید بپهران اینها ابدی زبطی بوزاره ندارد در موقعی که میگویند یک شاهی خرج کنید که بعداً ده تومان خرج نکند آن یکشاهی را نمیدهد بعد مجبور میشود ده تومان خرج بکنند علت همین شد که دو مرتبه سالارالدوله برگشته است اگر پول رسیده بود دوباره قشون سالارالدوله را تعقیب میکرد یا او میگرفت یا محققاً از سرحد فرار میکرد گرفت بخاک عثمانی تعقیب نکردند و برگشته است در کرمانشاهان مصدر شرارت شده است از یکطرف گفته میشود که اختیارات داده شده است بوزاره از یکطرف دیگر خود آقا میگویند که من راضی نیستم که یک ذره اقتدار از کسی کسر شود و این بعضی نسبت ها میدهند که بعضی ها دیده نشده است که به منافقان بر خورده است و آنها خوش ندارند که این ترتیب حالی باقی برقرار بماند .

**رئیس** - باشد بعد از نفس .

**وزیر پست و تلگراف** - خوب این را بعد توضیح میدهم .

**رئیس** - مانع نیستم عرض کردم چون مدتی است که مجلس منعقد است اگر آقایان مایل باشند نفس داده شود بعد مذاکره شود .

**وزیر پست و تلگراف** - پس در مسئله تلگرافات اجازه بفرمایید جواب عرض کنم

**رئیس** - بفرمایید .

**وزیر پست و تلگراف** - اما تلگرافات چند فقره است که بنده توقیف کرده ام و آنها را صلاح و صرفه دولت حالبه نمیدانم در ابتداء در مسئله اولی ما تو آنچه تلگرافات لازم بشود بتمام ولایات متغایره کردند و دیناری هم پول گرفته نشد و اطلاعاتی که لازم بود در ظرف ده یا نوزده روز بتمام ولایات داده شود داده شد بعد چند فقره تلگرافاتی که مخالف صلاح مملکت بوده است آوردند مخایره شده بنده آنها را توقیف کرده ام و این هم بنا بر مسئولیت شخصی و وجدانی بنده بوده است که بنده یکی از افراد این آب و خاک هستم و نمیخواهم در مقابل تاریخ مسئول بنانم و در موقعی که من متصدی پست و تلگراف بوده ام نقصی واقع شود که این مسئولیت بعهده من وارد بیاید البته در مملکت قانونی مجلس شورای ملی سؤال و استیضاح بکنند و در موقعی که می بیند که مخالفتی از وزیری ظاهر میشود آنها باید استیضاح بکنند و ورقه آبی بدهند آن وزیر را رد بکنند ولی تا وقتی که این دولت هست من باید با صلاح دیده این دولت و نظریات آن دولت مسئول باشم میخواستم مرض بکنم که آقایان محترم بدانند تلگرافاتی که شده است ممکن است یک - وقتی آنها را بیاورم اینجا یاد روزنامه جات بنویسند تا بدانند که آن تلگرافات صلاح نبوده است و بنده مخایره آنها را ابدی صلاح نمیدانم برای اینکه هیچ وقت راضی نمیشوم که قشون اجنبی بیایند مملکت بیاید مثل تیری میماند که قلب انسان بخورد

**رئیس** - حالاً تاه دقیقه نفس است (در این موقع نفس شده و مجدداً سه ربع از شب گذشته مجلس تشکیل گردید)

**رئیس** - راجع بمطلبی که اینجا اظهار شد بنده گمان

میکنم اگر باین ترتیب مذاکره شود نتیجه بدست نمی آید (گفتند صحیح است) قبل از اینکه آقای وزیر امور خارجه مطلب را اظهار بکنند چون زمینه در دست نبود این بود که مطالب را اظهار کردند آقای خیابانی لازم دانستند که بعضی جوابها بدهند مطالب گفته شد و جوابی که لازم بود گفته شود تا یک درجه گفته شد حالا گمان می کنم بهتر این است که برای اینکه نتیجه بگیریم پیشنهادی که از طرف رراء شده در همان پیشنهاد مذاکره شود و اگر منجر شد برای گرفتن در همان پیشنهاد رأی گرفته شود (گفتند صحیح است)

**ناصر الاسلام** - همانطوریکه آقای رئیس فرمودند باید در پیشنهادیکه از طرف هیئت وزراء شده است مذاکره بکنیم سه پیشنهاد از طرف وزراء شده است اطراف هر یک را باید درست دقت کنیم وارد مذاکره بشویم و جهات آن را ملاحظه بکنیم در هر کدام از آن ها صلاح بدانیم رأی بدیم و عقیده خودمان را اظهار بکنیم برای این که موقع ما امروز خیلی موقع سخت و تنگی است و نمی توانیم درست در کار تعمق بکنیم بایک نظریات دور و درازی داخل کار بشویم چون وقت ما فوق العاده تنگ است در پیشنهاد اول بطوریکه خاطر آقایان هست که امروز بعضی مشکلات در کار هست و بعضی منظورات در نظر آقایان است که ما در آن پیشنهاد اولی نمیخواهیم داخل بشویم و آن منظورات حاصل نخواهد شد پیشنهاد دوم که موافقت مجلس است با هیئت وزراء او هم چون مسی توان گفت تملیق بحال است یعنی رأی که مجلس داده است ممکن نیست که برگردد او را هم بعقیده من نمی توانم طریق حلی پیدا بکنیم ولی لابدیم از برای این فقره طریق حلی پیدا کنیم و هیچ مسئله نیست که برای آن ترتیب حلی نباشد برای این امر مشکل هم طریق حلی که میتوانیم پیدا بکنیم بعقیده بنده آن شق ثالث است که آن به تعیین کمیسیون است اما بختصر تصرفی چون این مسئله راجع می شود بعموم ملت بنده فقط بان انتخاب کمیسیون تنها قانع نمیشوم و عقیده ام این است که یک کمیسیون از مجلس تعیین بشود و بعضی هم از خارج باصلاح دین و وزراء وقت نمایندگان در تحت ریاست والا حضرت اقدس نایب السلطنه و آقای رئیس منعقد شود و امور تسویه شود و مذاکرات شود و آنچه نتیجه از آن گرفته شد مجلس شورای ملی هم آنرا قبول کند این عقیده بنده است و اگر آقایان نمایندگان محترم طریق حلی دارند خوبست بفرمایند و بنده جدی ندارم در این که طریقه بنده قبول بشود و طریق منحصر بدین است اما آنچه بنده فکر کرده ام و دیده ام طریق حل غیر از این نیست اگر آقایان دازند بمن بگویند ومن در کمال صمیمیت اگر بهتر از این است متقاعد میشوم و تصویب میکنم .

**آقا شیخ رضا دهخوار قالی** - چون بنده به پیشنهاد آقای وزراء ملتفت نشده بودم این است که تا بیا اجازه خواستم این پیشنهاد هنا همان پیشنهاد هائمی است که در جلسات خصوصی در آنها مذاکره شده است و تقریباً قبول نشدند و آن اظهاراتی که بنده آنجا عرض کرده بودم اینجا هم عرض میکنم اما راجع باین صورت که نمایندگان

همراه باشند با کابینه وزراء در قبول آنچه پیشنهاد شده از طرف دولت روس چنانچه بعضی آقایان فرمودند غیر معقول است وجه غیر معقول بودن آن هم این است که پلنیک مجلس از اول امر پلنیک ملت است و مشروطیت برای این شد چون دولت سابق ما با خارجه ها همیشه همراهیهای فوق العاده داشتند و حسن شد از طرف ملت که اگر بآنطور بمانند استقلال مملکت را هم بآن بخشش که دارند از دست خواهند داد این بود که بر گردانیدند مشروطیت چون ملت مشروطه را برای این خواسته بودند که تقاضای استقلال بیادهمیچ دولت را نپذیرند مجلس هم نمیتواند مخالف ملت باشد و نمیتواند بر خلاف خیالات و مقاصد ملت رأی بدهد ملت و مجلس هیچ نمیتواند فرق بگذارند بین ناصر الدین شاه و محمد علی میرزا و بین یک هیئت دولت دیگری چطور شده است که درباره آنها بد میگفتند و درباره دولت حاضر هیچ تکوید ابدی فرقی نمیتواند بگذارد از این راه که مختصراً عرض کردم نمیتواند ملت که امروز مظهرش ولسانش مجلس است رأی بدهد در همراهی با آن پیشنهاد های دولت روس زیرا که هر یک از آن پیشنهاد ها استقلال شکن است و قبول آنها امضای اینست که ما خودمان مالک مملکت نیستیم حتی بعضیها که اظهار میکردند که شخص شورش را برداشتن شاید مضر استقلال نباشد بنده با آن هم مخالفم حالا شاید موقع آن نباشد که جهش را اظهار بکنیم از این راه در آن پیشنهادها همراهی کردن صحیح نمیباشد اما مسئله کمیسیون رضاً کمیسیون انتخاب شد در حل این مسئله چه خواهد کرد که آن را هیئت وزراء نمیتوانند بکنند اگر بکمیسیون اختیارات داده خواهد شد که بهر جاییکه برسد ولو برخلاف آنچه در مجلس رأی داده شده است صحبت کند و بگذارید مطلب را بنده شخصاً خودم نه از طرف فرقه ام ( زیرا که نماینده فرقه نیستم ) از طرف خودم مرض میکنم که اگر کمیسیون این نحو باشد و باو اختیارات داده شود که مسئله را حل کند و او قبول کردن یکی از آن شرایط باشد و مجلس شورا ملی اگر خیال نکند که اگر اینطور باشد علتی نخواهد داشت و منافی و مخالف با آن رایی که داده است نخواهد بود اشتباه کرده است بجهت این که هیچ فرق ندارد بین این که همین هیئت بنشینند بگویند که ما اگر چه اول امر نپذیرفتیم این تقاضاهای سه گانه را ولی حالا چون امر سخت تر شد این را حالا میپذیریم یا مصلحت در این دیدیم که یکیش را عیب ندارد هیچ فرقی ندارد که مجلس اینطور بگوید یا اختیار بدهد یک هیئت از خود کوچک تر که اگر تو این کار را کردی عیب ندارد من میگویم که این یک چیز فریبی است اگر شما بعد از این چند روز مصلحت در این میبینید که یکی یا دو تا یا هر چه از این تقاضا ها قبول شود یا تبدیل بچیز بزرگتر شود بهتر این است که خودتان قبول کنید من والا یک وقتی تردیدی در رأی ام اگر پیدا شود و بدانم که صلاح در خلاف آن رأی است که داده بودم همان ساعت برمیگردم و لو اینکه بعد از داد آن رأی نای فوراً ملت مرا یاره بکنند ولی خوشبختانه این رأی برای من حاصل نشده است و

نخواهد شد و در جلسه خصوصی هم عرض کرده ام پس حالا فرقی ندارد که شما خودتان رأی بدهید یا اینکه اختیار خودتان را بدست دیگری بدهید که او این کار بکند اگر وقتی که اختیار را بدست دیگری بدهید بگویند خودمان نکرده ایم دروغ میفرمایید بجهت اینکه اختیار را بشما داده اند شما وقتی که اختیار را بدست دیگران دادید که آنها بدهند چون آنان نمایندگان شما هستند کاری را که آنان میکنند شما کرده اید اینکار اگر بد است چرا آنان بکنند اگر خوب است چرا خودتان نمیکنید درست منتفت باشید پس از این رو هیچ نمیتوان یک کمیسیون تشکیل گردید شق دیگر این بود که کابینه تبدیل شود بوزرای جدید بنده در جلسه خصوصی که عرض کرده ام اصح وجود این است بنده از طرف شخص خودم عرض میکنم حالا اگر فراکسیون اینرا بپذیرند بنده معاند آن استعفا می خودم را خواهم داد شخصاً من که یک نفر ایرانی و مسلمانم اعتقاد بر این است که ما بر فرد این کابینه اظهار اعتماد کرده ایم ولی در این مسئله که امروز گفته میشود که مصلحت تبدیل است این غیر از مسئله عدم اعتماد است این مسئله این است که آقایان وزراء میگویند که ما نمیتوانیم این کار را انجام بدیم چرا ما با اعتقاد ما غیر از این حرفها اینجا نیست مجلس رأی منافی اینرا داد است رأی وزراء را با رأی مجلس نسبت منافی است یعنی سبب واجب که یکی میگوید بدهید یکی میگوید ندهید حالا کابینه عقیده من این است که باید داد با آنها مجلس نمیتواند بگوید بروید ندانم را تعقیب بکنند آیا چنین کار صحیح است من تقدیس میکنم عقیده هر کس را که میگوید بدهید البته عقیده او را تصدیق میکنم مقدس است ولو اینکه بنظر بنده خطا است لکن مجلس که رد کرده است این شرایط را و قبول نکرده است دیگر نمیتواند بوزاره بگوید که اینرا تعقیب کنید این مثل اینست که بنده یک فرضی از آقای مشیر الدوله خواسته باشم که آقای معاضد السلطنه که وزیر پست و تلگراف است عقیده شان بر این باشد که هر که به بنده قرض بدهد دیگر پس نمیدهم اعتقادشان بر این است که بنده رضاً قرض دادن صحیح نیست هر چه گرفت پس نمیدهم میخورد ممکن است حال ایشانرا واسطه قرار بدهیم که بروید پیش آقا آقای مشیر الدوله برای من فرضی بخواهد آ با همچو شخصی نمیتواند واسطه باشد که قرضی برای من بکند آیا چنین امری میشود ( تصور این را بکنید ) از اینجهت بی تبدیل وزراء این مسئله تعقیب نمیشود و بنده از این سه پیشنهاد تبدیل وزراء را عقیده دارم و استعفا ای ایشانرا می پسندم .

**رئیس** - برای اینکه مذاکرات مرتب باشد بهتر این است که مطلب تفکیک و تجزیه شود .

**وزیر امور خارجه** - عرض کنم چون قبل از نفس عرایض بنده عرض شد و آقای خیابانی فرمایشاتی فرمودند بیرون که رقیتم بعضی اعتراض کردند که چرا جواب اینها را بنده مفصل ندادم باز هم جواب آن ها را نمی دهم چون تصمیم کردیم که دیگر در پیشنهاد ها حرف نزنیم و لیکن جواب آقای دهخوار قالی را لازم میدانم که عرض کنم من چنه گفتم در مجلس سری این سه پیشنهاد را آوردیم در مجلس گفتم و بجز یکی دو نفر که یکی همین آقای دهخوار قالی بود و یکی هم آقای خیابانی دیگران حرف نزنند و نه رد کردند و نه

نخواهد شد و در جلسه خصوصی هم عرض کرده ام پس حالا فرقی ندارد که شما خودتان رأی بدهید یا اینکه اختیار خودتان را بدست دیگری بدهید که او این کار بکند اگر وقتی که اختیار را بدست دیگری بدهید بگویند خودمان نکرده ایم دروغ میفرمایید بجهت اینکه اختیار را بشما داده اند شما وقتی که اختیار را بدست دیگران دادید که آنها بدهند چون آنان نمایندگان شما هستند کاری را که آنان میکنند شما کرده اید اینکار اگر بد است چرا آنان بکنند اگر خوب است چرا خودتان نمیکنید درست منتفت باشید پس از این رو هیچ نمیتوان یک کمیسیون تشکیل گردید شق دیگر این بود که کابینه تبدیل شود بوزرای جدید بنده در جلسه خصوصی که عرض کرده ام اصح وجود این است بنده از طرف شخص خودم عرض میکنم حالا اگر فراکسیون اینرا بپذیرند بنده معاند آن استعفا می خودم را خواهم داد شخصاً من که یک نفر ایرانی و مسلمانم اعتقاد بر این است که ما بر فرد این کابینه اظهار اعتماد کرده ایم ولی در این مسئله که امروز گفته میشود که مصلحت تبدیل است این غیر از مسئله عدم اعتماد است این مسئله این است که آقایان وزراء میگویند که ما نمیتوانیم این کار را انجام بدیم چرا ما با اعتقاد ما غیر از این حرفها اینجا نیست مجلس رأی منافی اینرا داد است رأی وزراء را با رأی مجلس نسبت منافی است یعنی سبب واجب که یکی میگوید بدهید یکی میگوید ندهید حالا کابینه عقیده من این است که باید داد با آنها مجلس نمیتواند بگوید بروید ندانم را تعقیب بکنند آیا چنین کار صحیح است من تقدیس میکنم عقیده هر کس را که میگوید بدهید البته عقیده او را تصدیق میکنم مقدس است ولو اینکه بنظر بنده خطا است لکن مجلس که رد کرده است این شرایط را و قبول نکرده است دیگر نمیتواند بوزاره بگوید که اینرا تعقیب کنید این مثل اینست که بنده یک فرضی از آقای مشیر الدوله خواسته باشم که آقای معاضد السلطنه که وزیر پست و تلگراف است عقیده شان بر این باشد که هر که به بنده قرض بدهد دیگر پس نمیدهم اعتقادشان بر این است که بنده رضاً قرض دادن صحیح نیست هر چه گرفت پس نمیدهم میخورد ممکن است حال ایشانرا واسطه قرار بدهیم که بروید پیش آقا آقای مشیر الدوله برای من فرضی بخواهد آ با همچو شخصی نمیتواند واسطه باشد که قرضی برای من بکند آیا چنین امری میشود ( تصور این را بکنید ) از اینجهت بی تبدیل وزراء این مسئله تعقیب نمیشود و بنده از این سه پیشنهاد تبدیل وزراء را عقیده دارم و استعفا ای ایشانرا می پسندم .

**رئیس** - برای اینکه مذاکرات مرتب باشد بهتر این است که مطلب تفکیک و تجزیه شود .

**وزیر امور خارجه** - عرض کنم چون قبل از نفس عرایض بنده عرض شد و آقای خیابانی فرمایشاتی فرمودند بیرون که رقیتم بعضی اعتراض کردند که چرا جواب اینها را بنده مفصل ندادم باز هم جواب آن ها را نمی دهم چون تصمیم کردیم که دیگر در پیشنهاد ها حرف نزنیم و لیکن جواب آقای دهخوار قالی را لازم میدانم که عرض کنم من چنه گفتم در مجلس سری این سه پیشنهاد را آوردیم در مجلس گفتم و بجز یکی دو نفر که یکی همین آقای دهخوار قالی بود و یکی هم آقای خیابانی دیگران حرف نزنند و نه رد کردند و نه

نخواهد شد و در جلسه خصوصی هم عرض کرده ام پس حالا فرقی ندارد که شما خودتان رأی بدهید یا اینکه اختیار خودتان را بدست دیگری بدهید که او این کار بکند اگر وقتی که اختیار را بدست دیگری بدهید بگویند خودمان نکرده ایم دروغ میفرمایید بجهت اینکه اختیار را بشما داده اند شما وقتی که اختیار را بدست دیگران دادید که آنها بدهند چون آنان نمایندگان شما هستند کاری را که آنان میکنند شما کرده اید اینکار اگر بد است چرا آنان بکنند اگر خوب است چرا خودتان نمیکنید درست منتفت باشید پس از این رو هیچ نمیتوان یک کمیسیون تشکیل گردید شق دیگر این بود که کابینه تبدیل شود بوزرای جدید بنده در جلسه خصوصی که عرض کرده ام اصح وجود این است بنده از طرف شخص خودم عرض میکنم حالا اگر فراکسیون اینرا بپذیرند بنده معاند آن استعفا می خودم را خواهم داد شخصاً من که یک نفر ایرانی و مسلمانم اعتقاد بر این است که ما بر فرد این کابینه اظهار اعتماد کرده ایم ولی در این مسئله که امروز گفته میشود که مصلحت تبدیل است این غیر از مسئله عدم اعتماد است این مسئله این است که آقایان وزراء میگویند که ما نمیتوانیم این کار را انجام بدیم چرا ما با اعتقاد ما غیر از این حرفها اینجا نیست مجلس رأی منافی اینرا داد است رأی وزراء را با رأی مجلس نسبت منافی است یعنی سبب واجب که یکی میگوید بدهید یکی میگوید ندهید حالا کابینه عقیده من این است که باید داد با آنها مجلس نمیتواند بگوید بروید ندانم را تعقیب بکنند آیا چنین کار صحیح است من تقدیس میکنم عقیده هر کس را که میگوید بدهید البته عقیده او را تصدیق میکنم مقدس است ولو اینکه بنظر بنده خطا است لکن مجلس که رد کرده است این شرایط را و قبول نکرده است دیگر نمیتواند بوزاره بگوید که اینرا تعقیب کنید این مثل اینست که بنده یک فرضی از آقای مشیر الدوله خواسته باشم که آقای معاضد السلطنه که وزیر پست و تلگراف است عقیده شان بر این باشد که هر که به بنده قرض بدهد دیگر پس نمیدهم اعتقادشان بر این است که بنده رضاً قرض دادن صحیح نیست هر چه گرفت پس نمیدهم میخورد ممکن است حال ایشانرا واسطه قرار بدهیم که بروید پیش آقا آقای مشیر الدوله برای من فرضی بخواهد آ با همچو شخصی نمیتواند واسطه باشد که قرضی برای من بکند آیا چنین امری میشود ( تصور این را بکنید ) از اینجهت بی تبدیل وزراء این مسئله تعقیب نمیشود و بنده از این سه پیشنهاد تبدیل وزراء را عقیده دارم و استعفا ای ایشانرا می پسندم .

**رئیس** - برای اینکه مذاکرات مرتب باشد بهتر این است که مطلب تفکیک و تجزیه شود .

**وزیر امور خارجه** - عرض کنم چون قبل از نفس عرایض بنده عرض شد و آقای خیابانی فرمایشاتی فرمودند بیرون که رقیتم بعضی اعتراض کردند که چرا جواب اینها را بنده مفصل ندادم باز هم جواب آن ها را نمی دهم چون تصمیم کردیم که دیگر در پیشنهاد ها حرف نزنیم و لیکن جواب آقای دهخوار قالی را لازم میدانم که عرض کنم من چنه گفتم در مجلس سری این سه پیشنهاد را آوردیم در مجلس گفتم و بجز یکی دو نفر که یکی همین آقای دهخوار قالی بود و یکی هم آقای خیابانی دیگران حرف نزنند و نه رد کردند و نه

قبول بلکه میدانم که يك تامل بود در قبول یکی از آن پیشنهادها چون وقت ناک بود نتیجه گرفته نشد هیچ نمیشود گفت هر سه تالی این پیشنهاد رد شد اگر غیر از این است که عرض میکنم بفرمایند دیگر اینکه مفرمایند که وزراء آمده اند بجلس و میگویند که عین مطالبیکه روسها خواسته اند قبول کنید بدون اینکه تغییری در آنها داده شود بنده هیچ همچو عرضی نکردم اگر مطالبی که عرض کردم در مجلس سری درست تجزیه شود این است که آن عرایض مطابق يك اقداماتی بوده است که کرده بودم و نتیجه آن اقدامات در مجلس خصوصی گفته شد و اگر اظهار رایی کرده ایم این بوده است که بالاخره يك زمینه موافقی پیدا بکنیم که اینکار بموافقت تمام شود و همچوقت دچار اشکال نشویم همچوقت نکتتیم عین اینها را بدون تغییر و بدون اینکه هیچ فرقی بکنند قبول کنیم يك مسئله دیگر که فرمودند دولت مستبده باعث شد که مشروطه برقرار شد برای اینکه استقلال مملکت از میان نرود بنده اینرا تصدیق می کنم و خیلی خیلی عقیده صحیحی است لکن بنده عرض میکنم دولت مشروطه ما هم باید طوری باشد که استقلال مملکت را بیاد نهد و حتی الامکان حفظ استقلال مملکت را نماید این يك مطالب اساسی است که همیشه استدلال میکنند باینکه دولت مستبده را آوردیم مشروطه کردیم که استقلال مملکت باقی باشد این خیلی نظر صحیحی است ولی باید کاری نکنیم که نقض غرض بشود دولت مشروطه را يك طوری نگاه نداریم که در عین مشروطیت استقلال را بیاد ندهیم و مشروطیت را بنام نکتتیم بگذاریم مشروطیت آن اثرات خوبی را که در تمام دنیا کرده است در مملکت ما هم همان اثرات را بکنند يك مطلب دیگر که مفرمایند تمام شرایطی را که روسها تقاضا کرده اند تمام بر ضد استقلال ما است بنده این را تکذیب میکنم و هیئت وزراء این قدر حس وطن پرستی دارند که اگر می دانستند تمام این سه مطلب بر ضد استقلال مملکت است ایداً داخل مذاکره نمیشدند پس ما نباید برای حسن شهرت یا برای مقاصد دیگری همه مردما مبتلا بجهل بکنیم و بگوئیم تمام اینها بر ضد استقلال مملکت است بنده عرض میکنم که اینها تمام بر ضد استقلال نیست يك روزهایی است که میگویند فرق است بین روز و چیزی که بر ضد استقلال مملکت است اما آن مسئله چیزی که گفتند استعفاي وزراء از همه بهتر امکان پذیر است و در آن عرایض قبل از نفعش عرض کردم که خیلی بهتر است آن شکل خاصه که فرمودند ما بین عقیده وزراء و عقیده مجلس متناقضی است البته صدق است وزرائی که خواسته اند يك مسئله را به مسالمت و صلح تمام بکنند نباید با آنها مأموریت داد که بروید و آن مسئله را بطور ضديت بگذارید این عقیده خیلی خیلی صحیح است و واقعاً میانه این دو مسئله متناقضی است هر گاه آراء تمام نمایندگان محترم با رأی آقای دهخوارقانی مطابق است بنده این دو پیشنهاد خودم را پس بگویم امشب رأی بگیری و تکلیف وزراء را معین کنید و این مسئله را تمام بکنید و بدانید که امشب که ما میرویم و دیگر شما وزیر ندارید برای اینکه آندفهمه گفتند که وزراء استعفا ندادند و رفتند باز

مداخله در کار کردند اینفهمه از اینجا که میرویم بدانید که دیگر بهیچوجه مداخله در کار نخواهیم کرد زودتر وزرای دیگری را انتخاب نمایم که مشغول کار شوند .

**هشترودی** - اولاً بنده تفهیمم که این پیشنهادها را وزراء کتباً کرده اند یا اینکه شفاهاً پیشنهاد نموده اند اگر پیشنهاد کتبی است خوبست بخوانند و اگر همان است که وزیر امور خارجه فرمودند عرایض خودم را بکنم .

**رئیس** - کتباً پیشنهاد نشده است از قراریکه بنده اطلاع دارم سه فقره پیشنهاد است یا اینکه مجلس استعفاي وزراء را قبول بکنند یا اینکه کمیسیون معین بکنند و اختیاراتی بآن کمیسیون بدهند که هر طور صلاح دانست با اتفاق هیئت وزراء قراری بگذارد یا اینکه کلیه اختیارات بوزراء داده شود که هر طور صلاح میدانند ختم نمایند آقای وزیر امور خارجه همین طور است .

**وزیر امور خارجه** - بله منبطلو راست .

**هشترودی** - آقای وزیر امور خارجه چنانچه تصدیق فرمودند فرمایش آقای رئیس را بنده عرض میکنم در شروط اولی یعنی پیشنهاد اولی که مجلس رأی خودش را مطابق رأی وزراء بکنند **وزیر امور خارجه** - يك توضیحی لازم است بندهم بعداً فرمایشاتشان را بکنند اینک گفته میشود مجلس رأی خودش را مطابق رأی وزراء بکنند هنوز رأی وزراء معلوم نیست یعنی مذاکرات تمام نشده است که يك رأی داشته باشند مقصود اینست که بآنها اختیار داده شود که هر طوریکه میتوانند و بهر وجهی که اسهل است این مسئله را تمام نمایند

**هشترودی** - خوب پس بنده لازم نیست که این عرض را که حاضر کرده بودم بکنم همچو گمان میکردم که وزراء بر آن رأی سابقشان باقی هستند چون سابقاً در این مجلس ذکر شد که وزراء فرد فردشان رأی قبول دارند اگر در همان رأی هستند و حالا میگویند که با مجلس استعفاي آنها را قبول بکنند این اختیاراتی بگوئیم بدهد که بموافقت وزراء مطالب را ختم بکنند یا يك اختیاراتی بخود وزراء داده شود که آنها هر طور صلاح میدانند ختم بکنند چون رأی وزراء معلوم بود که چیست عرض میکنم بر فرض که در رأی سابق خودشان باقی بودند آنوقت معلوم میشد که برای وزراء يك احساس کرده اند که مجلس از رأی اولی خودش برگشته است اگر چنین است بنده عرض میکنم يك مهلتی بدهند که مجلس هم خودش يك مذاکراتی بکنند که معلوم شود که آنهاهی که پیشنهاد آقایان وزراء را می پذیرند و از رأی اولی برگشته اند چطور شده است و کبها هستند لکن حالا معلوم میشود که وزراء يك اندازه از آن سختی و اصراریکه داشتند که باید تمام مواد اولیایم قبول شود پائین آمده اند و حالا يك رأی هم خودشان اتخاذ نکرده اند آن وقت بنده میگویم عرض بکنم در این موقع که برای خودشان تعیین شده است که اگر کمیسیون مختار نباشد زمینه سازی بکنند و اختیاراتش همین قدر باشد که زمینه حاضر بکنند و مشاوره بکنند اگر این مشروطیت

بود ولی بدینصفت آن نفسها وقت نداریم و باید تعیینش خیلی خیلی زودتر از این بشود بهترین است که در روی همین شق مذاکره شود

**رئیس** - این بسته بپیل هیئت وزراء است اگر لازم است در همان مذاکره شود

**افتخار الواعظین** - بنده برای اینکه وقت نگیرد مطالب و عرایض خودم را بطور مختصر عرض میکنم خیلی بنده صحیح و لازم می دانستم که وقتیکه مشغول مذاکره میشویم در این اطاق یکفتری هم بنظر بیاوریم فرمایشات اولیه آقای وزیر امور خارجه را يك قدری حوادتی که مارا احاطه کرده است و شاید حوادث دیگری را هم که ممکن است واقع شود آنرا هم بنظر بیاوریم بنده عرض میکنم که مجلس شورای ملی که نماینده افکار ملت است مسکن نیست که این تقاضاهاییکه از طرف دولت روس شده است بتواند هیچکدام از این تقاضاها را بپذیرد بنده عقیده ام شخصاً رد بوده است و ردهم هست تا زنده ام ولی در مسئله استعفاي وزراء که آقای دهخوارقانی فرمودند بنده حقیقتاً همراه میشدم در صورتیکه برای من معلوم میشد که هیئت دیگری که معین میشود و يك هیئت وزرائی معین خواهد شد و اینجا خواهد آمد که وزیر خارجه اش خواهد گفت که من هم عقیده هستم با مجلس شورای ملی که تمام این مواد تقاضا را رد کرده و رفع این قائله را هم يك ترتیبی میکنم اگر بنده می دانستم يك همچو هیئت وزرائی معین میشود و وزیر امور خارجه اش هم میآید اینجا رسماً این طور اظهار میکنند بنده هم عقیده ام این میشد که باید این هیئت بروند لکن بدینصفتا چنین حس میکنم که اگر این هیئت بروند يك هیئت وزرای دیگری که معین شود آنها هم وقتیکه داخل در جریان امور شدند چون برای آنها يك قوه آسمانی و يك قوه خلق الساعه هم قائل نیستیم و میدانم قوای آنها هم قوای حاضر خواهد بود مترسم بیایند بایک زبان دیپلوماسی يكسان نرم تر بگویند بما اختیار بدهید برویم صلح کنیم و البته مجلس شورای ملی هم همه موافقت در اینکه بگویند بروید صلح بکنید و چون بنده برای صلح اقسام جدیدی می توانم تصور کنم و یکی از آن اقدام قبول یکی از این تقاضاهاست یکی هم قبول تالی این تقاضاها است يك قسم از صلح هم قبول هر سه فقره از تقاضاها است اینست که بنده مانعی نمی بینم که همان اختیار را امروز باین هیئت وزراء بدهند اما اینکه میگویند وزراء قبول کرده اند و عقیده شان قبول بوده است و آنها شاید برای حل این مسئله کاملاً اقدام بکنند این را بنده جدتکذیب میکنم و عرض میکنم بر حسب اطلاعاتیکه بنده خودم دارم آنروز که آن تقاضا خوانده شد اظهار کردند هیئت وزراء که این تقاضاها شده است و عقیده وزراء هم اینست که بپذیرند ولی در ردو قبول اختیار با مجلس است و مجلس هم بالاتفاق تمام آن تقاضاها را رد کرد چون برخلاف حق و زور صرف بود و هیئت وزراء هم عین رأی مجلس را در جواب مرابطه سفارت روس نوشتند بعد از آنهم از برای حل کردن این مسئله نه برای قبول و برای این که رفع این قضیه شود بطوریکه استقلال مملکت صدمه وارد نشود بنده میدانم که هیئت دولت از هیچ

اقدامی صرف نظر و تسامح نکرده اند و تمام اقدامات ممکن الوقوع از طرف هیئت دولت شده است پس باز عرض میکنم در خصوص پیشنهاد هیئت وزراء راجع به تغییر وزراء بنده شخصاً از طرف خودم و شاید از طرف رفقای خودم هم عرض کنم که همراه میشدم در تغییر وزراء در صورتیکه قطع میکردیم که هیئت دولتی پیدا بکنیم که وزیر خارجه اش میآید اینجا اظهار کند که ما مخالف هستیم و موافق با رأی مجلس عقیده داریم يك طرفی رفع این قائله را خواهیم کرد در این صورت بنده تاروح در بدن دارم با این هیئت وزراء مخالفت نخواهم کرد ولی مترسم که اینطور نباشد آنچه را که امروز هیئت دولت می توانند انجام بدهند آن هیئت میتواند انجام بدهد بلکه بایک زبان خیلی نرم بگویند مجلس شورای ملی بمن اختیار بدهد که بروم این مسئله را انجام کنم و بروم صلح کنم پس باین جهت بنده هم عقیده باین پیشنهاد نیستیم اما در باب پیشنهاد کمیسیون این مسئله را باید خوب ملتفت شد هیئت وزراء اگر بگویند شما يك هیئتی معین کنید از مجلس و بآنها اختیارات بدهید که بروند این تقاضاها را قبول کنند بهمان ترتیبی که داده است این چون برخلاف عقیده بنده بوده است و خواهد بود تصدیق نمیکنم ولی اگر بگویند که کمیسیون معین بشود که با هیئت وزراء بروند راه چاره پیدا بکنند برای اینکه جنو مخاطرات آتی را و حوادثیکه مترسندهم استقلال برود هم این چیزهایی را که نمیدهم رفته باشد نماینده چون امشب یکی از شهای تاریخی این مملکت است که باید هر کس صریحاً و بی پرده عقایدش را بگوید مثلا میگویند که یکنفر مستخدم خودمان را بردارید آقایان کاملاً مسبقند که بنده همیشه ذکر کرده ام برداشتن این مستخدم اعلان این است که بعد از این ما مستخدم مالک کافی نیآوریم یا اگر آوردیم او با کمال جدالت میتواند وارد در اصلاحات بشود و یا حتی الامکان نباید يك محتشم خودمان را از دست بدهیم اگر من میدانستم که اگر این مستخدم را ندیم حوادث و وقایعی از برای ما آنچه را که مترسم واقع شود واقع نمیشد بنده تاجان داشتم و بطوریکه وظایف بنده است پشت همین کرسی خطاب به قرآن قسم خورده ام که تا وقتیکه در این مقام رسمی نشسته ام بملاوه اینکه خیانت با استقلال این مملکت نکنم حافظ و نگاهبان استقلال این مملکت باشم ولی بنده مترسم که يك روزی بشود که هم مستخدمه منان رفته باشند هم چیز دیگر این است که بنده عرض میکنم هیئت وزراء میگویند که يك کمیسیون انتخاب بکنید که ما برویم و مذاکره بکنیم هم تقاضاها را رد کرده باشیم و تا اندازه که با استقلال مملکت برمیخورد و ممکن است و مقدر است وهم جلو حوادث آتی را بگیرییم اگر اینطور است بنده شخصاً تصویب میکنم و باو اختیار میدهم اما اگر بگویند اختیار بدهید بيك کمیسیون که قبل از اینکه برود چاره جوئی بکنند بطوریکه آقای هشترودی فرمودند و بدون اینکه مذاکرات بکنند چاره جوئی بکنند اقدامات لازم بکنند رفته موافق خیال آقای هشترودی که اینطور خیال کرده اند بروند بنشینند و بگویند تقاضاهای دولت روس را قبول میکنم بنده هم همچو هیئتی

را تصویب نمیکنم وزراء هم از مجلس يك کمیسیون را خواسته اند که با موافقت و مدائن بگوئیم بنشینند چاره جوئی بکنند و بدینوسیله هر چاره که هست اند چون مستقیماً مربوط بملت است باید قیابلت اطلاع بدهند و بعد اقدام بکنند اگر مقصود از تشکیل کمیسیون این شکل ثانوی است بنده همراه رئیس - مسئله تا تجزیه نشود نتیجه حاصل نمیشود این است که اول رأی بگیریم در باب اینکه وزراء بهتر اختیاراتی خواسته اند که بآنها داده شود تا بيك ترتیبی این کار را انجام بدهند اگر تصویب شد که بسیار خوب و الا رأی گرفته می شود در باب اینکه کمیسیون همانند نظری که وزراء خواسته اند تشکیل و انتخاب شود اگر اینهم تصویب نشد آنوقت باید در استعفاي آنها رأی گرفت حالا مذاکرات را آقایان کافی میدانند یا خیر (اغلب اظهار کردند کابست)

**وزیر امور خارجه** - بنده فقط يك چیزی خواستم عرض کنم که ممکن است هر سه مطلب رد بشود تکلیف معلوم نشود پس بطوریکه فرمودند خوب است اول در پیشنهاد راجع با اختیار وزراء رأی گرفته شود در صورتیکه رد شد آنوقت در کمیسیون رأی گرفته شود یعنی در پیشنهاد راجع با اختیار دادن بيك کمیسیون با وزراء که هر قسم آنها موافقت حاصل کردند انجام بدهند و ختم کنند و اگر این دو فقره هر دو رد شد آنوقت استعفاي وزراء مسلم است دیگر جای رأی گرفتن نیست

**رئیس** - پس کتباً پیشنهاد نماید

**وزیر امور خارجه** - بنده دو پیشنهاد را نوشته ام و بعرض آقایان میرسانم پیشنهاد اول اینست که مجلس شورای ملی بوزراء حالیه اختیار بدهد که مسئله اختلافات با دولت روس را بهر نحو که برای آنها پیشرفت میکند و مقتضای مصلحت مملکت میدانند تمام نمایند پیشنهاد دوم این است که مجلس شورای ملی کمیسیون تعیین نمایند که آن کمیسیون با هیئت وزراء دارای اختیارات لازم بوده مسئله اختلافات با روسها را بهر نحو که برای آنها پیشرفت کند مقتضای مصلحت مملکت باشد تمام نمایند و بنده برای این آمده در کرسی خطاب به عرض بکنم بطوریکه آقای افتخار الواعظین فرمودند امشب يك شب تاریخی برای يك زایی که میدهد که بيك برخواستن و نشستن تقدیر بيك مملکت را معین میکند و حالا بنده عرض میکنم امشب يك شبی است که بنده بایستی از حسن شهرت صرف نظر کنم یعنی اگر بگویند آمد و طرف داری از روس کرد بنده بایستی باین مطلب راضی باشم برای اینکه فردا در مقابل تاریخ رسوا و مقتضی نباشم بنده عرض میکنم که در يك قیام و وقوف خودمان سر نوشت مملکت را معین میکنم پس حالا هر طوریکه صلاح میدانند و مقتضی میدانند رأی بدهید

**رئیس** - تقاضا شده است که با ورقر رأی گرفته شود و تقاضا به ترتیب ذیل خوانده شد بمقام منبع ریاست مجلس اظهار میدارد ما امضا بکنندگان ذیل تقاضای رأی با اوراق میکنم

هشترودی - رمای دهخوارقانی - سیمان میرزا - وجدالهدک - خیابانی - ابوالقاسم میرزا

منتصر السلطان مساوات - احمد فروغی - حسینعلیان  
مجدداً پیشنهاد وزیر امور خارجه قرائت شد  
**سلیمان میرزا** - بنده توضیحی میفرام  
اجازه فرمائید  
**رئیس** - بفرمائید

**سلیمان میرزا** - چون در این پیشنهاد نوشته شده است بنحویکه صلاح میدانید همانطوریکه وزیر امور خارجه فرمودند امشب شب تاریخی است و تقدیر مملکت در آراه و کلاست و کلامی دانند که تقدیر مملکت در آراه آنها است لکن خوب است واضح بفرمایند که مراد از این بهر نحوی که صلاح می دانند یعنی قبول سه ماده را هم اگر صلاح بدانند اختیار داشته باشند که قبول نکنند بدون اطلاع مجلس و ملت بنده چیتن اختیاری را وراثی را در واقع رای قبول می دانم منتهی در پشت یک پرده و میفرام بدانم که این بهر نحویکه صلاح می دانند باین درجه وسعت دارد یا آنکه محدود است آنرا هم معین کنند والا اینهم مثل اختیار تام بای نحوکان آتکابینه خواهد بود باید توضیح نمایند تا تکلیف رای دهندگان معلوم شود

**وزیر امور خارجه** - بنده نمی توانم توضیح زیادی در این مسئله بدهم بجهت اینکه وقتی که وزراء با خود کمیسیون داخل این مسئله شد باید اختیار داشته باشد تمام کند مل این که خود مجلس دارای این اختیار است داخل هیلت و مذاکرات اینکار خواهد شد آن وقت هر طوری که صلاح طرفین است در قبولش صلاح میدانند یا در ردش صلاح میدانند طرفین را مقایسه میکند لابد در هر طرف یک مایب و محاسنی می بیند اینها را با هم دیگر فیاس میکنند هر طوری که صلاح مملکت را میدانند ختم میکنند والا باین طور که مطالب را ناتمام بگذاریم خطرات را جلب کرده ایم باید یکی از دو کار بشود قبول یا رد معلوم است قبول بشود چنانچه دارد در هم بشود چنانچه دارد وقتیکه وزراء دارای آن اختیارات شدند خواهند دید تا چه اندازه پیشرفت میکنند و تمام اطراف را بایستی بسنجند و از روی وجدان و آرزوی وطن خواهی که دارند مضار و منافع را بایستی بسنجند آن وقت هر چه را که صلاح مملکت است که او آبا قبول کل خواهد بود یا رد کل خواهد بود یا تجزیه خواهد بود حکم بنده در این باب با آن کمیسویی که امشب انتخاب می کنید مساوی خواهد بود همان طوری که آنها نمیدانند که بچه شکل و یکی ختم میشود بنده هم نمیدانم اینها یک مطالبی است که بایستی پس از شروع در عمل معین شود و بایستی وزراء و آن کمیسیون یک اختیاراتی داشته باشند که باسرت قبل از اینکه یک خطراتی بر ما وارد شود اینکار را تمام بکنند

**رئیس** - چند فقره پیشنهاد شده است بایستی قرائت شود از طرف ناصر الاسلام بعبارت ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم که کمیسویی از مجلس شورای ملی منتخب شده با تفاق هیئت وزراء و رئیس مجلس شورای ملی در تحت ریاست و نظارت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه با اختیارات مشغول مذاکره شده و مسئله اصلاحات با دولت روس را بهر نحو که صلاح بدانند خانه بدهند (از طرف فهیم الملك بایستجارت قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم کمیسویی مرکب از شش نفر از مجلس و شش نفر از خارج تشکیل شده با حضور والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و رئیس مجلس شورای ملی دو خصوص اولیاتانوم با آقایان وزرا صدا کرده و هر قراردی که بر او صلاح امر دادند بنجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند

**وزیر امور خارجه** - آن پیشنهاد اول یکی از پیشنهادهای بنده است منتها قدری مفصلتر است لکن در پیشنهاد ثانی که بالاخره رای بنجلس بیاید و بعد در مجلس با زدها مذاکرات بشود همانطور که عرض کردم تعطیل امر میدانم و مقتضی نیست

**رئیس** - حالا رای میگیریم در پیشنهاد اول آقایان وزراء که اختیار بوزراء داده شود آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند ورقه سفید و آقایانی که تصویب نمیکنند ورقه کبود خواهند داد ( در این موقع شروع بانخد رای شده آقای حاج میرزا رضا خان اوراق را برای باین عده احصاء نمود ورقه سفید پنج ورقه آبی (۲۶)

**رئیس** - بل تکلیف مانده رای میگیریم پیشنهاد دوم وزراء

**وزیر امور خارجه** - پیشنهاد دوم بنده موافق است با پیشنهاد آقای ناصر الاسلام بجهت اینکه اساساً تشکیل کمیسیون بود منتهی این است که جزئیاتی را هم علاوه کرده بودند و بنده آنها را هم قبول دارم

( مجدداً پیشنهاد ناصر الاسلام قرائت شد )  
**سلیمان میرزا** - این پیشنهادیکه آقای ناصر الاسلام فرموده اند که اختیار داده شود بیک هیئت خود دولت باشد خواه یک هیئت مرکب از دولت و غیره و خواه یک کمیسیون معتلف و مختلط این حق را بنده بوکلاهی نمی دهم که در موضوع استقلال مملکت اختیارات و وظیفه خودشان را از گردن خودشان بردارند و بگردن هیئت دولت بیاورند هیئتی مرکب از دولت و وکلاهی بگذارند که بدون اطلاع مجلس و بدون اطلاع عموم ملت بکنند در صورتیکه رای خودشان و رای عموم موکلین آنها معلوم شده که بر رد اینمطلب است در این صورت چگونه در تحت یک پرده که اسمش کمیسیون است و اختیاری بهر نحو که صلاح بدانند بآنها بدهیم که بر خلاف آراه تمام موکلین ما است این کمیسیون یعنی قبول اولیاتانوم با اختیارات بازم بنده تقاضای خودم را تکرار میکنم که رای باوراق گرفته شود تا معلوم شود کی ها این اختیارات میدهند

**مهرزالمات** - ابتداء باید بنده عرض کنم که اینجا مکرر گفته میشود شب تاریخی است امشب به امشب شب تاریخی است ولی این نکته را باید عرض بکنم که شأن و کالت اجل است از اینکه آن را بی که میدهند با ورقه غیر آراه با قیام و قنود بدهند من میگویم آن کسی که وکیل میشود آن را بی که میدهد تفاوت نخواهد کرد برای او چه با ورقه بدهد و چه با قیام و قنود آن کسیکه وجدان دارد برای او هیچ فرقی نمیکند بنده حقیقه تعجب میکنم بجهت اینکه ما مذاکراتی میکنیم که نتیجه اش بعد معلوم نخواهد بود که چه خواهد بشود ما هم میگویم که مشروطه هستیم ولی بنده عرض میکنم که مشروطیت یک قوانین و یک قراردادها می دارد که باید بآن ها

عمل کرد اگر مشروطه هستیم باید بدیندوسر سایر ممالک در چنین مواقع چه میکنند در آنجاها یک مشروطیت در آنجاها ایجاد شده است باید دید در آنجاها چه میکنند بهمان نظریق باید سر کرد اولیاتانومی روس داده بود مجلس شورای ملی همانطوریکه وظیفه اش بود رد کرد ولی کلیه فرض بکنید یک اختلافی است بین دولت و مجلس در سایر جاها چه میکنند بنده از تمام آقایانیکه ادعای دانستن قوانین را میکنند سؤال میکنم در سایر جاها چه می کنند وقتی که در یک چنین موردی رای وزراء رد شد آن هیئت میروند بی کارش اینجام که وزراء رفته بعد مجلس شورا کمیسیون را مأمور کرد و همان هیئت دولت را آورد روی کار چون آقای خیابانی گفتند کمیسیون خودش رفت بنده در قسمت خودم عرض میکنم من خودم پیش خود نرفتم مرا مجلس مأمور کرد کمیسیون از طرف مجلس رفت بعد کمیسیونیکه برای رسیدگی باولیاتانوم معین شده بود رفت وزراء را آورد یعنی این قسمت از مشروطیت را که در تمام عالم هست خود مجلس تکرار کرد و باز وزراء را آورد روی کار شق ثانی چه میماند در سایر جاها با مجلس میماند یا دولت خواهد گفت شق ثالث ندارد مگر اینکه گفته شود ما بگوئیم این کشمکش های دوهفته گئی امتداد پیدا کند تا آنکه آنچه بیزیکه شاید واقع شود واقع بشود خوب هیئت دولت استعفاء کرد رفتند او را آوردید اولیاتانوم را هم همینطور کهنه هم جزو شما بودم رای دادید من هم رای دادم و رد کردیم آنوقت چه باید بشود آخریک راه چاره هم باید ذکر کرد یانه ؟ من هم میگویم این عقیده را ندارم که کابینه تغییر بکند چرا برای اینکه من باین کابینه اعتماد دارم اما آن کسیکه میگوید باید کابینه تغییر بکند او باید بگوید کابینه من فلان است و پروگرام او این خواهد بود تا من هم بهینهم اگر موافقم رای بدهم والا اینکه بگویند عمرو برود بعایش زید بیاید در صورتیکه زند نمیدانم چه خواهد کرد این نمیشود و باین چه طور رای بدهد پس این شق هم نمیشود کرد پس چه باید کرد حالا که وزراء را آوردید و بآنها اطمینان دادید وزراء می گویند با اختیار بدهید یکی از آنها که رای دادند در اختیار دادن بوزراء من بودم بجهت اینکه بنده هیچک از وزرای حاله را کمتر از خودم نمیدانم از حیث ایران دوستی و وطن پرستی حالا که این مسئله اولی رد شد که اختیار را بآنها نمیده می گویند یک کمیسویی معین بکنید از خودتان که باین مطالب خانه بدهد اینطور که نمیشود باین مجلس خصوصی مجلس سری نطق این زندگی نمیشود یک هیئتی را معین بکنید از یک چنین مسائل مهمی در تمام دنیا معین شده است که یک هیئت هشتاد نفری نمیتواند کار بکند یک هیئت کوچکی پیدا میکنند با یک اختیارات معینی که بنشینند و کار را قطع بکنند بی تکلیفی در تمام دنیا بدترین چیزها است یک چیزهای خیلی بدی بهتر از بی تکلیفی است

**وزیر امور خارجه** - آقای سلیمان میرزا فرمودند که مجلس و نمایندگان حق ندارند که اختیارات بدهند اختیار اینکه بآنها رجوع نشده است - بانه اگر با استقلال مملکت بر نخورد هیچ وکلاهی حق در تو کبیل ندارند یعنی وکلانی که دارند بیدگری بدهند و دیگری را مأمور کنند برای انجام کار

این فرمایش را بنده عرض می کنم بواسطه نداشتن تجارت سیاسی و بواسطه نخواستن تواریخ است در تمام دنیا از اول تاریخ عالم تا امروز در ممالکی که مشروطیت و جمهوریت در آنجا ها تأسیس شده است و قایمی مثل این واقعه امروزی ما خیلی خیلی واقع شده است رومن ها و مردم یونان اشخاصی بودند که در کار مشروطیت و حکومت ملی در اول از مؤسس این اساس بوده اند از اول امر زندگی ایشان باین ترتیب بوده است بعضی از آن ها یعنی بعضی مجالس شان مرکب بوده است از تمام اشخاص اهلی آن شهر ( آن لوت و تیق ) ما جمع میشده اند یعنی آنقدر در مشروطیت تنه بوده اند که در مشروطیت یا در جمهوریت که میگفتند و کفیل انتخاب کردن صحیح نیست مانا باید برای خودمان و کفیل انتخاب کنیم باید خودمان امورات خودمان را انجام بدهیم همین اشخاص که آنقدر در این اساس مضر بوده اند نظر بیک قانون طبیعی نظر بیک قانون مسلم که سلامت مملکت رعایتش بر هر قانونی مقدم است وقتیکه در یک چنین امر مهمی مبتلا میشده اند بیک نفر را انتخاب میکردند و اسمش را میگذاشتند بیک نامتور و میگفتند چون اینکار مشکل شده است مجمعی از زیاد و اشخاص زیاد و مختلف نمیتواند کار بکنند بواسطه آراه متباین و اغراض متعدد و ناچار کار را بیک نفر واگذار میکردند میخواستند آن یک نفر مملکت را بیاد بدهد میخواستند باقی بدارد آنها بظهور بوده اند و آن مسئله هم الان هست و اختیارات میدهند بیک هیئت هائی باید اشخاصی که هر طور صلاح دانستند عمل میکنند علاوه بر این در بعضی مواقع اختیار را میدهند بیک اشخاصی که از خود مملکت نیستند مجلس لایه برای چیست وقتی که یک مخصه بین دو دولت پیدا شد که خود آن دو دولت نتوانستند حل بکنند میدهند بیک هیئت خارجی که او هر چه میخواست بکنند پس این عقیده در دنیا هست عرض کردم شب تاریخی است باید سلامت مملکت را من بشهرت ترجیح بدهم باید بیک طوری حرف بزنیم که لازمه وطن پرستی و وطن دوستی در آن است نه آنکه بطور دما کوزی و عوام فریبی باشد بنده هرایش خود را میگویم برای اینکه رفع مسئولیت از خودم کرده باشم و از این اطلاق خارج شوم.

**رئیس** - میترسیم وقت بگذرد و مذاکرات بجائی نرسد خوبست رأی بگیریم .

**سلیمان میرزا** - بنده توضیحی دارم چیزی به بنده نسبت داده شده است باید رفع کنم .

**رئیس** - مذاکرات طولانی خواهد شد پیشهاد ناصر الاسلام دوم تبه خوانده میشود ( مجدداً پیشهاد ناصر الاسلام خوانده شد )

**رئیس** - آقایانیکه این پیشنهاد را قبول و تصویب میکنند و رفق سفید آقایانیکه تصویب نمیکنند و رفق کبود خواهند داد .

در این موقع شروع باخذ رأی شده حاج میرزا رضا خان اوراق رأی را بنده ذیل احصاء نمود و رفق سفید ( ۲۹ ) و رفق کبود ( ۱۷ )

**رئیس** - اینهم بلا تکلیف ماند .

**وزیر امور خارجه** - بنده بلا تکلیف ورد را در یک حکم میدانم بجهت اینکه بلا تکلیفی خیلی بد است و عرض میکنم هر چه زود تر تصمیم

خودشان را در تعیین کابینه همین امشب معین فرمایند که موقع خیلی باریک و مهم است ( در این موقع وزراء از مجلس خارج شدند )

**رئیس** - پس چند دقیقه در آن اطلاق باشید **حاج سید ابراهیم** - اولاً بنده تعجب میکنم از اشخاصی که امتناع میکنند باید تکلیف روز قبل معین شود اینجا هیچ جای تردید نیست یعنی کسیکه در این موقع رأیش را نداند که یا حالت آخر یا حالت اول مملکت است و تکلیف یک مملکتی را در آخر حالش یا در اول حالش باید معلوم کند و رأی بدهد اینچنین آدم نباید اینجا حاضر بشود و ثانیاً آقایانیکه رد میکنند یا امتناع می کنند یک پیشنهادی بکنند راه حل این مطلب باین شکل میشود و الا اشکال کردن و در رفع اشکال همراهی نکردن این خودش یک عیب بزرگی است چه معنی دارد ولیکن راه حل را نگویند ردهم بکنند تا مملکت برود این عین مسئولیت است نه رفع مسئولیت است و هر چه باین مملکت وارد شود یعنی از عدم حضور این رأی تماشای بر گردن آتفاقی است که رأیشان معلوم نیست و تعیین تکلیف نمیکند و تکلیف خودشان را نمیدانند باید بعد از بیست روز دیگر حالا ما راه کار را دانسته باشیم که چطور باید کرد یعنی عقیده مان باید معلوم شده باشد و راه چاره را بگویند اگر نه شاید خدای نخواست از طریق عدم اظهار رأی میخواستند مملکت بسلمه از بین برود .

**رئیس** - گمان میکنم باین طریق مذاکرات نتیجه نداشته باشد و بی موضوع حرف خواهند زد گمان میکنم مجلس را ختم کنیم بهتر است

**رئیس** حرکت کرد و مجلس دو ساعت و چهل دقیقه از شب گذشته ختم شد .

**جلسه ۴۴۲**  
**صورت مشروح شب پنجشنبه ۲۹ شهریور حجه العرام ۱۳۲۶**  
 مجلس پنج ساعت و نیم از شب گذشته در تحت ریاست آقای مؤمن الملک افتتاح گردید صورت مجلس روز دو شنبه را آقای آقا میرزا رضا خان نایب قرائت نمودند .

غائبین جلسه گذشته بدون اجازه آقایان زنجانی حاج آقا . دهخدا . منیر السلطان . اعتصام الملک فرزانه . مریش آقا سید محمد باقر ادیب . لواء . الدوله میرزا یانس .

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ( اظهاری نشد )

صورت مجلس تصویب شد چون دو فقره تقاضای آقایان وزراء بریروز بلا تکلیف ماند و وقت خیلی تنگ است بناشد که امشب جلسه تشکیل شود و تکلیف این فقره معین شود این است که جلسه صلی را تشکیل دادیم چون مذاکرات زیاد در این باب شده است خواهش دارم از آقایان برای اینکه تکلیف این مطلب هر چه زودتر معلوم شود مذاکرات را مختصر فرمایند .

**آقا شیخ محمد خیابانی** - شب دیروز بریروز دو پیشنهادیکه از طرف وزراء شده بود یکی اختیار داده میشود به آقایان وزراء که هر نحویکه صلاح میدانند این مسئله را حل کنند یکی

هم اختیار دادن به کمیسیون که از طرف مجلس منتخب شود که هر طوری که صلاح میدانند مسئله را ختم کنند و در جلسه گذشته قبول نشد و بلا تکلیف ماند و از اشخاصی که با این ترتیب چه اختیار دادن بخود وزراء و چه بکمیسیون مخالف بودند متعدد بودند که از آن جمله یکی بنده بود چون حالا در همان مخالفت خود باقی هستم می بینم هده که برای تصویب کمیسیون رأی داده بود کافی نبود و شاید حالا کافی شده باشد این است که امشب را چنانچه اظهار شد بنده با کمال صمیمیت میگویم امشب را شب تاریخی میدانم خیلی شب تاریخی است که عقیده خودم را میخواهم بگویم و بقیهانم این است که بنده راضی نیستم باین اختیار و هلاجی هم در نظر داشتیم و بدبختانه موفق نشدیم چون معنی کننده را هیچ عاقلی نیست که از او دلیل یا یک علاجی بخواهد یا اینکه اگر یک علاجی را بگویند و ممکن باشد نباید قبول کرد و بدیفرت معذک این فاعده بنی اجازه میدهد که بگویم که امروز ۲۲ روز است مسئله اولتیماتم پیش آمده است یکی دو روز آن مشغول صحبت بودیم تا برسیم بآن ۲۸ ساعت کمیسیون گمنگن شده بود و بعد در مجالس سری صحبت شد بالاخره آمده مجلس و در مجلس مذاکره شد و قبول نشد یعنی باتفاق و کلا رد کردند و امروز رأی هیئت وزراء در این باب که نماینده و دفاع کننده از آن رأی هم آقای وزیر امور خارجه بودند که در واقع اینکار هم راجع بایشان بود دفاع نمیکردند و خیلی هم جدیت داشتند و مایل بودند که اینکار تصویب شود نه اینکه واقعا مایل بودند همان پیش آنها و فشارها را که میدیدند عقیده شان این بود که نباید قبول شود یعنی البته هر شخصی وقتی که یک عقیده پیدا کرد منطق تصدیق می کند که هر چه عقیده دارد باید تصدیق بکنند البته یک شخص وطن خواه عالمی تمام آن راههای معتمله را که غیر از قبول ممکن است طی کرده و غیر از قبول فکر دیگری بنظرش نرسیده چون مایوس شده است این است که عقیده اش این شده است که باید قبول بشود و من می بینم و خیال کردم که دیگر این آقای وزیر امور خارجه غیر از اینکه قبول بکنند چیز دیگری بنظرش نرسد این بود که ما هم علاج غیر از قبول مبدانستیم از قبیل تبدیل یا چیزی دیگر که معاوضه بکنیم یا بعضی چیزها ما هم یک دولت آنها هم یک دولت و مملکت ما هم خالی نبودار اشخاصی که این عقیده را پیش ببرند این بود که ما هر طور بود رساندیم که علاج اینکار این بود که این وزراء با اینکه در امورات جاریه مملکتی متحمل اطمینان هستند چون اینکار از آنها پیشرفت نمیکند باید اینها کنار بکشند و یک اشخاص دیگر روی کار بیایند به اوائل چنانچه صحبت شد مردد بودیم و آن کمیسیون هم تشکیل شده بود ولی هر وقتی آقای وزیر امور خارجه تشریف آوردند اظهار نکردند که غیر از دادن دیگر سلاجی نمیدانیم آن وقت ما قاطع و جازم شدیم که باید وزراء داخل اینکار نشوند چرا؟ برای اینکه آن نظرانی که دیگران دارند می ماند بلا تکلیف که باید در آنها داخل شد و آنها را ببینیم چه اثر میکند حالا به شد من میخواهم بگویم و موقع تفصیل نیست مختصراً عرض میکنم که لازم بود در همان وقتیکه اولتیماتم رد شد وزراء استعفا را رسمی بدهند یعنی رسماً از طرف والا حضرت